

پیام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت)

به دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۵-۶۴

سابقه و افتخار مبارزه انقلابی، و مرکز آموزش علمی و فرهنگی جامعه در تاریخ کشورمان نظیر ندارد. دروغ پردازی و کینه توزی خمینی علیه دانشگاه تا آنجا رسیده است که بیشمارانه می گوید همه گرفتاریهای ایران از دانشگاه شروع شده است. رژیم بر این پایه فحایح بیشماری علیه مراکز آموزشی کشور بهار آورده است. اما سیاستهای ارتجاعی در دانشگاهها و انقلاب باصلاح فرهنگی آن به بن بست رسیده و با بهران همه پتانیه مواجه است دانشگاه در اخر احکامهای رژیم بقیه در صفحه ۲

دانشجویان و دانش آموزان عزیز! فرا رسیدن آغاز سال تحصیلی را به شما که با دلی پر امید فعالیت تحصیلی را آغاز می کنید، و به همه فرهنگیان و دانشآمویان شریف و زحمتکش کشور شادباش می گوئیم. سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) برای شما سالی پر بار در تحصیل و پیکار برای تحقق خواستها و آرمان عایقان آرزو می کند. دانشجویان و دانش آموزان مبارز! توجیه کارهای رژیم علیه دانشگاه، این کشور، به



دوشنبه اول مهر برابر ۲۲ سپتامبر ۱۳۸۵
به ۶۰ سال دوم شماره ۷۵

اعتصاب غذا علیه جنگ ایران و عراق

اعتصاب کنندگان ضمن ابراز خشم و نفرت خویش از رژیم جناب افروز خمینی
شوراها را پایان یافتن فوری جنگ شدند

مبارزه علیه جنگ و کشتار، پشتیبانی نمودند. از آن بین می توان از نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری و سازمانهای دموکراتیک و صبح لیب زیر - در سوند - نام برد. نمایندگان حزب کمونیست کارگری، سوند، حزب کمونیست عراق، کمونیستهای، چپ سوند، حزب کمونیست السالادور، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست یونان، نماینده ام از سوند، کمیته مرکزی، حزب کمونیست پاراگوئه، جوانان حزب کمونیست کارگری، سوند، حزب کمونیستهای سوند، کمیته بقیه در صفحه ۲

در، زهای، ۱۸ الی، ۲۳ سپتامبر، فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوند، در میدان پیروزی، شمر است که هم در مخالفت با جنگ کثیف و نیکیت بار ایران و عراق، دست به یک اعتصاب غذا، به روزه زدند. این اعتصاب غذا از همان آغاز با استقبال پر شور اد اینان، مردم سوند روبه زدند. آنان، با مراجعه به محل اعتصاب غذا پشتیبانی خود را ابراز می داشتند. بی این سه روز، تعداد زیادی از نمایندگان احزاب مترقی سوند و نمایندگان احزاب پیشرو و مترقی غیر سوند، نیز، به میدان پیروزی آمده و ضمن گفتار با رفقا، ما، از

مردم ایران و عراق را در برقراری صلح یاری دهید!

کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حزب کمونیست عراق و حزب نوده ایران

گفت. سپس رفیق هادی زهیر به بیان نظرات حزب کمونیست عراق در مورد جنگ ایران و عراق پرداخت. وی گفت: "ادامه جنگ پاسخی است از سوی دور رژیم به خواست مردم در مورد دموکراسی و آزادی. درگیریهای نظامی ارتباط تنگاتنگی با سرکوبهای خونین در عراق دارد. اعدامهای دسته جمعی فراریان از چپ و مخالفین سیاسی گواه این امر است." نماینده حزب کمونیست عراق بقیه در صفحه ۵

به مناسبت سالگرد جنگ ویرانگر ایران و عراق در روز بیست و ششم شهریور ماه یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت رفیق مهدی فتاحپور عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، نماینده حزب کمونیست عراق و نماینده کمیته مرکزی حزب نوده ایران در پاریس برگزار شد. در این کنفرانس خبرنگاران کشورهای مختلف جهان حضور داشتند. در آغاز نماینده حزب نوده ایران با بر شردن مختصر مصائب و فحایح جنگ به خبرنگاران خوش آمد

خسرو و انزجار فراينده نیروهای ترقیخواه جهان از صدور احکام فدائیان اسیر

در صفحه ۷

دانش آموزان

قربانی جنگ طلبی رژیم

خامنه ای در بهرام سال ۶۲ گفت: "غالب مدارس، یک، دو یا بیشتر شهید داده اند، در نتیجه های جنگ شرکت کرده اند... امروز شهادت و فضای شهادت و برای خوش شهادت به دبیرستانها و مدارس راهنمایی و حتی دبستانها هم رسیده" (اطلاعات ۲ مهر ۶۲)

دانش آموزان اسال نیز برای ششمین بار سال تحصیلی خود را در شرایط مرگبار چینی و در فضای متعفنانه خامنه ای آن را "فضای شهادت و بوی خوش شهادت" می خواند، آغاز می کنند. گسیل نوجوانان و جوانان به بهبه های جنگ به مختلف، کاهش بودجه جاری، نوبساری و عمرانی آموزش و پرورش، بقیه در صفحه ۲

در حاشیه حکم جدید خمینی

در مورد سالیان

بحران در همه عرصه ها تعمیق می شود

روز سه شنبه هفته گذشته، خمینی لی حکمی مبنی بر رضایی فرمانده سپاه پاسداران، را موقوف ساخت "تا خرجه سریعتر سپاه را منبج به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی" نماید. این حکم به دنبال نامه کسب تکلیف مبنی بر رضایی صادر گردید.

"کسب تکلیف" به معنایی دارد؟ در واقع هیچ، نامد معلن رضایی به خمینی و حکم فرمانده کل قوا، تنها صراحت کامل نداشتن به روندی است که مدت ها در جریان است و در ماههای اخیر سرعت ویژه ای یافته است. در ریشه یابی این حرکت جدید لازم نیست چندان دور برویم. حوادث همین دوه ماه گذشته نشان

بقیه در صفحه ۲

شرکت در جشن پر شکوه "اومانیته"

روزهای ۱۴ و ۱۵ سپتامبر اسال، همانند سالهای پیش پارک کورنو در حومه پاریس، شاهد جشن پر شکوه روزنامه "اومانیته" ارکان مرکزی حزب کمونیست فرانسه بود. در پنجاهمین سالگرد جشن

روزهای ۱۴ و ۱۵ سپتامبر اسال، همانند سالهای پیش پارک کورنو در حومه پاریس، شاهد جشن پر شکوه روزنامه "اومانیته" ارکان مرکزی حزب کمونیست فرانسه بود. در پنجاهمین سالگرد جشن



غرفه "کار" و "نامه مردم" اسال نیز مورد بازدید هزاران نفر از شرکت کنندگان در جشن "اومانیته" قرار گرفت. بقیه در صفحه ۵

علیه جنگ، برای صلح، بیا خیزیم!

پیام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت)...

بقیه از صفحه اول

ارتجاع، اختلافات و درگیری، حامیان رژیم، و کمبود جدی استاد با مشکلات عیدیه ای روبرو است. سطح علمی و آموزشی به شدت تنزل کرده و دانشجویان امکان نمی یابند در یک ترم تحصیلی حداقل واحدهای ممکن را بگذرانند. مشکلات زیستی و رفاهی دانشجویان افزایش مداوم می یابد.

رژیم خمینی مدارس کشور را هم با سرنوشتی اسف بار روبرو کرده است. قشر، گری، و علم ستیزی و تلاش برای پیاده کردن تعلیم و تربیت ارتجاعی در مدارس که برای به بند کشیدن نسل جوان انجام می گیرد از همان فردا، انقلاب در مرکز توجه و برنامه خمینی و دیگر سران مرتجع رژیم قرار داشت. این سیاست ارتجاعی به تخریب فاجعه بار وضعیت آموزشی کشور منجر شده است. و افزایش هزینه های تحصیلی، کمبود شدید مدارس، افت سطح آموزش آنان و افزایش بی سابقه دانش آموزان مردود شده بخش بزرگی از جوانان و نوجوانان کشور را از تحصیل محروم کرده است.

دانشجویان مبارز و آگاه!

مبارزه علیه اختلاف و سرکوب آزادیها، دموکراتیک یکی از عرصه های مهم نبرد شما در

دانشگاههاست. دانشجویان پیشنام باید سیاست سرکوب و عاملین آن یعنی نمایندگان رژیم و انجمنهای اسلامی را در محیطهای آموزشی در مرکز افشاگری قرار دهند و توده دانشجویان را در این مبارزه هدایت کنند. اعتراضات دانشجویان برای تامین خواستهای صنفی شان با سرکوب رژیم روبروست.

دانشجویان و دانش آموزان مبارز!

خمینی و همفکران او دسته دسته جوانان کشور را در چپها به کام مرگ می فرستند و در هربورس هزاران نفر از دوستان و همکلاسان شما را به سرنیزه از پشت میز درس می ربایند و به چپهای بی بازگشت می فرستند.

علیه جنگ برای صلح بپا نیزید! در دانشگاهها و محلات و هر کجا که هستید سران جنگ افروز رژیم خمینی را افشا کنید. هر چه فعالیت در جنبش ضد جنگ شرکت کنید و مبارزه صلح طلبانه خود را با مبارزات زحمتکشان پیوند دهید.

علیه سیاست ترور و اختناق، علیه بازداشت و شکنجه و اعدام فرزندان خلق، برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید!

مبارزات کارگران و زحمتکشان را در محیط زندگی خود متصکس سازید و مردم را به همبستگی با آنان فرا

خوانید. به تجربه هر بار جنبش دانشجویان تکیه کنید. این اعتراضات را سازمان دهید و در اشکال مختلف و شیوه های مناسب هدایت کنید.

دانش آموزان مبارز و آگاه!

اقدامات و فشارهای ضد دموکراتیک در مدارس را افشا کنید و توده دانش آموزان را به مبارزه علیه آن فرا خوانید. با تفتیش عقاید و خیر چینی مقابله کنید. و نام و نشان وابستگان به انجمنهای اسلامی و افرادی را که علیه معلمان و دانش آموزان چاسوسی می کنند، افشا و آنان را برود و منفرد سازید.

سیاستها و عملکرد رژیم در اشاعه فساد و اعتیاد در میان جوانان را افشا کنید. در راه گسترش فعالیتهای آموزشی و ورزشی و دیتر تفریحات سالم سازماندهی کنید.

علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم در

مسائل آموزشی، علیه کمبود معلم و امکانات آموزشی به مبارزه برخیزید. مانع اخراج معلمان دلسوز و متعهد شوید و در برابر اخراج آنان ایستادگی کنید. با گرفتن شهریه و

هزینه های مختلف از دانش آموزان مخالفت کنید. از هر امکان برای حرکت و فعالیت متشکل دانش آموزان جهت تحقق خواسته هایشان استفاده کنید و تشکلهای صنفی و فعالیتهای فوق

برنامه را در عرصه های گوناگون ایجاد

و تقویت کنید. اکنون حرکات اعتراضی علیه این سیاستها در مدارس هر روز بیشتر می شود. دانش آموزان و خانواده های آنان علیه کمبود معلم و وضعیت آموزشی، علیه گرفتن شهریه و هزینه های مختلف دیتر به اعتراض بر می خیزند.

دانشجویان و دانش آموزان آگاه!

سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) اعتقاد راسخ دارد که در پرتو اتحاد و مبارزه، پیروزی بر جنگ و اختناق و دستیابی به آرمانهای مردمی شما در جامعه و در دانشگاهها و مدارس امکان پذیر است.

سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) از شما دعوت می کند دست در دست علیه سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی به مبارزه برخیزید و برای سرنگونی آن بپردازید.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی

رژیم جمهوری اسلامی

گسترده باد مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان و دانش آموزان

سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت)

شهریورماه ۱۳۶۴

بحران در همه عرصه ها، تعمیق می شود

بقیه از صفحه اول

دهنده این بود که داستان قدیمی سپاه و ارتش می بایست وارد فصل تازه ای گردد. در اوایل تیرماه اسامال فرمانده نیروی دریایی استعفا داد و در اوایل مرداد ماه اعلام شد که سپاه گردانهای دریایی به راه انداخته است. در همین چند ماهه در روزنامه های رژیم به کرات اشاراتی در این مورد وجود داشت که سپاه پاسداران در جهت تجهیز به نیروی هوایی، در حال حرکتها، پد، است.

یک ماه پیش ضربت قطعی بر پیکر شهریانی فرود آمد. جهت الاسلام سالک، سرپرست کمیته های یک مصاصبه مطبوعاتی "لرح تفکیک و تألیف کمیته و شهریانی" را تشریح کرد و اعلام نمود که در این طرح "شهریانی به عنوان پلیس انتظامی - خدماتی و کمیته به عنوان پلیس انتظامی - سیاسی شناخته شده است." این "لرح تفکیک و تألیف" لاجرم در مورد سپاه و ارتش نیز می بایست، البته با شکل احتیاط آمیزتری، به مرحله اجرا درآید که در آمد.

رهبران جمهوری اسلامی برای رسیدن به این مرحله که بتوانند سپاه را به یک ارتش مبدل سازند، تلاش فراوانی کردند. آنها یک لرح سنجیده را کام به کام و با احتیاط به مرحله اجرا در آوردند و حال که همه مقدمات کار را فراهم ساخته اند در واقع نه آغاز بلکه پایان مهمترین بخش نقشه های خود را در این زمینه اعلام می کنند در مرحله بعدی تقویت سپاه و در کنار آن تضعیف ارتش کما کیفا با مرحله گذشته تفاوت خواهد داشت. تداوم جنگ و تشدید اختلاف و سرکوب، در به اجرا در آوردن این نقشه ها بیشترین یاری را به رهبران جمهوری اسلامی رسانده است.

حکم اخیر خمینی و طرحهایی که پیش از آن در این عرصه به اجرا گذاشته شده است، جدا از بحران عمومی حاکمیت نیست. حاکمیت بیش از آن تضعیف شده است که بر مژمونی تکیه داشته باشد. اتوریته تفکات جای مژمونی ایدئولوژی، کلام و شخصیت را گرفته است و سرنیزه بیش از توهم پراکنی و فریب که دیتر کار ساز

اعتصاب غذا علیه...

بقیه از صفحه اول

صلح شود، انجمن دوستی کوبا و سوئد ... و

رفیق "آرئید روئند بری" عضو کمیته مرکزی، حزب کمونیست سوئد، نیز شخصاً در میدان حضور یافت و با مبارزه سازمان فدائیان خلق اعلام همبستگی نمود. اعضای کمیته همبستگی با انقلاب افغانستان در سوئد، نیز در محل حاضر شده و پشتیبانی خود را از خواستهای فدائیان اعلام نمودند.

در روز سوم اعتصاب غذا، رفیق "اسوالد سدر کوپست"، عضو گروه پارلمانی حزب کمونیستهای چپ سوئد، در محل اعتصاب غذا حضور

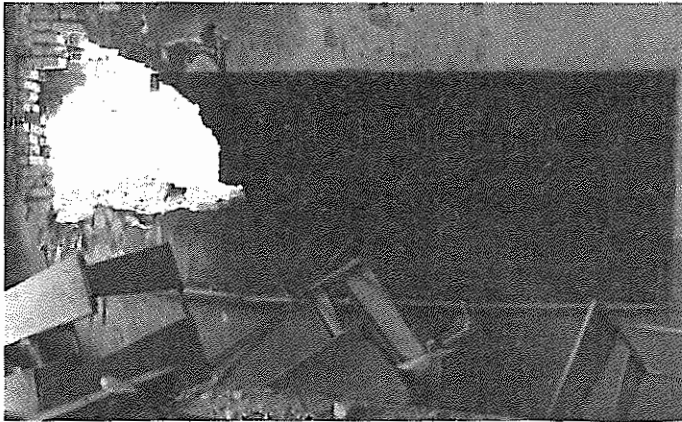
نیست. قابل اعتماد و اتکا نداشته می شود. اما حاکمیت، حاکمیت فریب و توهم است و بنابراین این طبیعی است که سرنیزه و فریب و توهم را یکجا بنواهد. این دو عامل در سپاه پاسداران گرد آمده اند. پاسداران رکن اصلی دستگاه سرکوبند و زیر تأثیر مستقیم دستگاه ایدئولوژیک و همبسته با آن و از همین روست که تکیه حاکمیت به این نیرو دم به دم بیشتر

یافت و غی سخنانی پشتیبانی این حزب را از مبارزات و خواستهای بر حق مردم ایران اعلام نمود. وی گفت: "اکنون که رسانه های گروهی از انعکاس واقعیات موجود در کشور شما خودداری می ورزند ضرورت دارد که شما به مبارزه خودتان در جهت جنب افکار عمومی ادامه دهید. این تنها راهی است که شما و ما می توانیم از آن طریق افکار عمومی را در جهت فعال کردن جنبش صلح بسیج کنیم و کامهای بیشتری در جهت قطعه جنگ و برقراری صلح برداریم. وی سپس از اعتصاب کنندگان خواست که حرکت اعتراضی خویش را با شرکت در تظاهرات ضد جنگ که عصر همانروز انجام می یافت پی بگیرند."

می شود.

با حکم جدید خمینی ناراضیاتی در درون ارتش بالا می گیرد. درگیری بین سپاه و ارتش وارد فاز جدیدی می شود. در درون حاکمیت نیز ستیز بر سر تسلط سپاه شدت بیشتری می یابد.

در یک کلام حکم جدید خمینی از بحران و بی پایانی نشأت گرفته است و به نوبه خود بر عرق بحران می افزاید.



همه چیز در خدمت جنگ

سیاست اختصاص همه امکانات در خدمت جنگ در همراهی با دانش ستیزی رژیم خمینی-وضعیت اسفباری را برای آموزش و پرورش بوجود آورده است بحران اقتصادی رژیم و تخصیص درآمدهای حاصل از "حراج" نفت به جبهه‌های جنگ که عدم تامین اعتبارات لازم جهت آموزش و پرورش را به دنبال داشته است اثرات بسیار مخربی را در امر آموزش بر جای نهاده است اما این خود به بهانه‌ای برای سرپوش گذاشتن بر بن‌بست و شکست سیاستهای آموزشی رژیم و نیز توجیه باز گذاردن دست سرمایه‌داران در عرصه آموزش تبدیل شده است.

اکرمی وزیر آموزش و پرورش می‌گوید: "با توجه به شرایط اقتصادی و جنگی اعتبارات جوابگوی نیاز نیست و بنابراین این دفتر متنازی مردم با آموزش و پرورش تشکیل شده... (کیهان ۲۴ اردیبهشت) و رئیس آموزش و پرورش شمیران در مصاحبه با کیهان ۱۷ آذر اظهار می‌کند: "برای ساختن مدرسه اعتبار نداریم... با مشکل فضای آموزشی روبرو هستیم و به همین خاطر مدارس را ۲ و یا ۳ نوبته کرده‌ایم. در روستاها نیز مدارس قدیمی در حال فرو ریختن هستند و بودجه کافی برای تعمیر نداریم."

طی سال تحصیلی ۶۴-۶۳، نه تنها ۲۰ هزار روستا که بنا به اعتراف قرائتی فاقد مدرسه بودند به همان حال باقی ماندند بلکه در بسیاری از روستاها که کلاسهای راهنمایی تشکیل شده بود یا به بهانه عدم تکمیل ظرفیت برچیده شدند و یا رسماً اعلام شد که دولت قادر به تامین بودجه تشکیل دوره راهنمایی در آن روستاها نیست. در همین سال از طرف رژیم طرح "فک" تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگی به راه انداخته شد که از طریق آن مبالغ هنگفتی مردم راسرکبه

با تمام اینها هنوز شمار دانش‌آموزان و نوجوانانی که رژیم، آنها را از پشت میز مدرسه به جبهه‌ها جنگ کشانده و به آنها بهاء، دانش، دوستی و زندگی، روش پرتونه کشتن و پرتونه چشم‌پسته به

دانش‌آموزان قربانی جنگ طلبی رژیم

میدان مین رفتن و در حالت خاله به مرگ اندیشیدن و از دنیا بردن رایاد می‌دمند، بسیار زیاد است. آمار و گزارشات دولتی نیز بقدر کافی در این زمینه گویاست. از قول مسئول بسیج سپاه پاسداران در کیهان ۲ مرداد آمده است: "در سال آینده در جبهه‌های جنگ مجتمع‌های آموزشی تشکیل خواهند گردید." ریحانی مسئول بسیج در مصاحبه‌ای که این خبر را اعلام کرد افزود: دانش‌آموزانی که به جبهه گسیل شده‌اند ۱۲ هزار نفرند و در سال جاری تعدادی معین نیز به جبهه فرستاده خواهند شد تا برای آنها مدرسه دایر کنند.

موسوی نخست وزیر، حضور این همه دانش‌آموز را در جبهه‌ها "بیانیه" حاکمیت فرخنده اسلامی" در مدارس دانست و خطاب به انجمن‌های اسلامی گفت: "ما باید سعی کنیم جبهه‌ها تا سلاح مدارس ادامه یابند." یعنی به کلام شامنه‌ای همه دانش‌آموزان را به محل اصلی "بوی خوش و فضای شهادت" و مرگ بفرستد.

بدنبال این سخنان و برای گسترش جبهه تا سطح مدارس و تمکین به اوامر نخست وزیر است که در سپاه تصمیم گرفته می‌شود با همتاری و هماهنگی آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۶۴-۶۵ یک واحد درسی تازه بنام "دروس تئوری و عملی نظامی" در مدارس تدریس شود. لایه بخش عملی آن در جبهه خواهد بود.

قبولی نیاورده‌اند شرکت نمایند. (کیهان ۶۳/۷/۲)
اما این نیرنگ و تبلیغات و تسهیلات نه تنها چندان کمکی به رژیم برای بسیج دانش‌آموزان و راه انداختن "کاروان کربلا" نکرد بلکه خود رژیم را نیز واداشت که به اعتراض و مخالفت مردم با رفتن به جبهه و ادامه جنگ اعتراف بکند. روزنامه اطلاعات در سرمقاله ۵ مهر ۶۳، نوشت: پای جبهه و جنگ که به میان می‌آید... بعضی‌ها... را باید برای این توفیق اچباری با غل و زنجیر، توجیه و تفسیر و سلم و صلوات و هزارویک صغرا و کبرای منطق پرروی هم سوار کرد و دستشان را گرفت و پیاده یا کشید و به جبهه و جنگ برد و به خدمت و عبادت و مدافعین و منزل ایمان برد و مدام مراقب و مواظبان بود که پشت به قبله نکنند."

اما مردم به قبله‌ای که برای "جماران" و کلان سرمایه‌داران و امپریالیسم "مقدس" بود پشت می‌کردند. در سال گذشته نیز مخالفت فعال والدین دانش‌آموزان علیه اعزام فرزندانشان به قربانخانه و به جبهه‌های بی‌پازگشت و فرار دانش‌آموزان و دیگر جوانان از کام عفریت جنگ یکی از عرصه‌های اصلی مبارزه آنها علیه رژیم بود. مخالفت والدین دانش‌آموزان به گونه‌ای بود

افت تحصیلی، کمبود فضای آموزشی، گرانی سرسام آور قیمت کتاب و نوشت افزار - ۹۰۰ درصد - کاهش بودجه بهداشت مدارس، راه نیافتن کودکان واجب‌التعلیم به مدارس و... از جمله تأثیرات مخرب جنگ و سیاست خائنانه رژیم خمینی در آموزش و پرورش است.

بسیج دانش‌آموزان برای جبهه‌های جنگ

در سال گذشته، از همان آغاز سال ۶۳-۶۴ سرمداران نظامی حکومت ولایت فقیه تلاش کردند بخشی از قربانیان حملاتی که بعدها والفجر، قدس، بدر و... نامیده شد و چندین هزار نفر آن کشته شدند را از میان مدارس کشور تامین کنند و در همین رابطه تبلیغات گسترده‌ای برای بسیج دانش‌آموزان براه انداختند. فرماندهان سپاه و مبلغین رژیم راهی مدارس شدند تا برای گرم تنگ داشتن تنور خویشتن میزبانان و با تبلیغ و اغوا و تهییج احساسات و وعده ایجاد تسهیلات برای گذراندن امتحانات و... دانش‌آموزان را به قتلگاه بکشانند. اکرمی وزیر آموزش و پرورش اطلاعاتی قبلی را تکمیل کرد و برای فریب دانش‌آموزان و فراموش آوردن تسهیلات برای آن دسته از دانش‌آموزانی که در جبهه شرکت می‌کنند، اعلام کرد.



که مسئولین از آنها صراحتاً با عتاب و خطاب می‌خواستند جلوی فرزندانشان خود را نگیرند. از جمله یکی از مدیران کل اداره آموزش و پرورش در تاریخ ۱۷ مهر ۶۳ خطاب به این دسته از پدر و مادرها گفت: "باید والدین دانش‌آموزان از رفتن فرزندانشان به جبهه‌ها جلوگیری نکنند و عقب ماندگی درسی آنها را این‌ها بکلاسهای فوق العاده جبران خواهند شد."

"وزارت آموزش و پرورش همه تسهیلات ممکن را برای جلوگیری از افت تحصیلی دانش‌آموزان عزیز رژیم فراهم نموده است که از آن جمله شرکت دادن این قبیل دانش‌آموزان در چهار نوبت امتحانی می‌باشد و علاوه بر آن رزمندگان که در چهار نوبت نمره حد نصاب قبولی را کسب نکرده باشند می‌توانند برای پنجمین بار در امتحان دروسی که نمره

اخبار جنگ

در هفته گذشته نیز جنگ در همه عرصه‌های زمینی، دریایی و هوایی دنبال شد. ستاد ارتش مدعی شد که در جبهه‌های میانی و جنوبی، ضرباتی به نیروهای عراقی وارد آورده است، و ارتش عراق نیز تقریباً همه روزه شهرهای آبادان و خرمشهر را زیر آتش سلاحهای سنگین خود قرار داد. مهم‌ترین واقعه جنگی، حمله چتند ه‌های عراق به شهر پیرانشهر بود. نیروی هوایی عراق روز یکشنبه ۲۴ شهریور، به محلات مسکونی پیرانشهر حمله کرد، رژیم عراق ادعا کرد که حمله به نقاط مسکونی پیرانشهر، در پاسخ به حمله روز شنبه جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی سلیمانیه است. ستاد مشترک ارتش، روز شنبه ۲۳ شهریور، اعلام کرده بود که تاسیسات نظامی و اقتصادی سلیمانیه را توسط نیروی هوایی درهم کوبیده است. حمله به سلیمانیه و پیرانشهر، بار دیگر، خلیج از سرگیری جنگ شهرها را افزایش داد. در هفته گذشته، ستاد مشترک ارتش همچنین مدعی شد که تاسیسات نظامی و اقتصادی (ام الغرب) عراق را منهدم کرده است.

ادامه جنگ و تشنج در حوزه خلیج فارس

به دنبال تأیید ضایعات سنگین وارده بر پایانه شرقی جزیره خارک، فرماندهی ارتش عراق ادعا کرد که نیروی هوایی این کشور، به پایانه غربی این جزیره حمله کرده است. عراق طی روزهای اخیر، ده بار، تاسیسات ترمینال نفتی جزیره خارک را مورد حمله قرار داد. جمهوری اسلامی نیز مدعی شد که یک هواپیمای عراقی را در آبهای خلیج سرنشون کرده است.

تشنج در آبهای خلیج کماکان ادامه دارد. روند توقیف و تجسس کشتی‌ها و شناورها، در هفته گذشته نیز دنبال شد. محمولات کشتی چینی "چین جانت" که تحت اجاره کویت بود و از بانکوک بارگیری شده بود، توسط نیروی دریایی جمهوری اسلامی، ضبط شد. ستاد مشترک ارتش روز پنجشنبه ۲۸ شهریور، خبر توقیف دو کشتی دیگر را اعلام نمود. یکی از این دو کشتی، تحت اجاره کویت می‌باشد. بیمه لویدز نیز هفته گذشته، خبر غرق شدن یک کشتی کرایه‌ای در آبهای خلیج که منجر به کشته شدن دو خدمه آن گردید را، اعلام نمود.

وزرای کشورهای حوزه خلیج در رابطه با بالا گرفتن بحران و تشنج در آبهای منطقه، روز سه‌شنبه ۲۶ شهریور، مذاکراتی را آغاز کردند. مسئله تهدیدات جمهوری اسلامی ایران علیه کویت، یکی از مسائل مورد بحث آنان است. لازم به تذکر است که اکثر کشتی‌های توقیف شده از سوی نیروی دریایی جمهوری اسلامی، یا متعلق به کویت است و یا تحت اجاره آن کشور قرار دارد. دولت کویت با اعتراض نسبت به این اقدامات جمهوری اسلامی، آنرا اعلان جنگ به خود تلقی کرد. دولت کویت اقدامات جمهوری اسلامی را "راهزنی دریایی" لقب داد. شرکت‌های بیمه نیز که نرخ بیمه کشتیرانی در خلیج را به نحو بیسابقه‌ای افزایش داده‌اند، هفته گذشته اعلام کردند که مجدداً در صد افزایش نرخ بیمه‌ها می‌باشند.

سپاه پاسداران به ارتش تبدیل می‌شود

آیت الله خمینی روز ۲۶ شهریور، طی حکمی به محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران، لرح تبدیل سپاه را به یک ارتش تمام عیار، اعلام نمود. متن حکم خمینی به محسن رضائی از این قرار است: "جناب آقای محسن رضائی، فرمانده سپاه - با توجه به اینکه در اصل ۱۵۰ قانون اساسی، نقش سپاه در نهیانی از دستاوردهای انقلاب اسلامی تصریح شده است. و نظر به اینکه این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از حیث تجهیزات و آرایش فنون جنگی در نیروهای زمینی، هوایی و دریایی میسر نیست. شما مأموریت دارید هر چه سریع‌تر سپاه پاسداران را مجهز به نیروهای زمینی، دریایی، هوایی نمائید، تا در موارد لازم در هماهنگی با ارتش از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشور حفاظت نمائید."

"ایران به اسرائیل اسلحه صادر می‌کند"

هفته گذشته، مقامات اسرائیلی اعلام کردند که یک هواپیمای باری از نوع CDB متعلق به یک شرکت خصوصی آمریکائی به نام اینترنشنال ایرویز که از تبریز به مقصد اسپانیا در پرواز بود، به علت نقص فنی، در فرودگاه بن‌کوریون فرود آمده است. خبرگزاری‌ها نیز ضمن اعلام این خبر، هیچ‌گونه اطلاعاتی پیرامون محموله این هواپیمای گزارش نکردند. مطرح شدن گسترده ارتباط این هواپیمای حمل اسلحه از اسرائیل به ایران باعث شد که ستاد تبلیغات جنگ انقلاب اسلامی، پس از چهار روز تأخیر، سکوت را شکسته و به موضوع کثیری پیرامون قضیه بپردازد. هدف ستاد تبلیغات جنگ از این موضع‌گیری، تکلیب خبر بوده و این ستاد، این خبر را ساخته و پرداخته خبرگزاری‌های غربی نامید. اما تکلیب غیر جدی ستاد تبلیغات جنگ، به شایعات پیرامون این هواپیمای باری، بیش از پیش افزود. ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد "که ایران مطلقاً از این نوع هواپیمای ندارد." حال آنکه، هیچ منبع خبری، ادعا نکرده بود که این هواپیمای متعلق به جمهوری اسلامی است. ستاد تبلیغات جنگ، در ادامه تکلیب نامه خود، اضافه کرده بود، "و در صورت درست بودن خبر، با توجه به مسیرهای پرواز، معلوم می‌شود که ایران به اسرائیل اسلحه صادر می‌کند و نه اسرائیل به ایران!"

رشوه‌خواری و فساد اداری

در پی خبر دستگیری ۵۰۰ نفر از پرسنل نظامی و غیر نظامی جاعل برکه معافیت، در هفته گذشته نیز خبر دستگیری ۲۰۰ نفر از کارمندان دولت در خمینی شهر اصفهان به اتهام رشوه‌خواری، در رسانه‌های دولتی انعکاس یافت. متهمین از کارمندان ادارات دولتی شهری، دارائی، ثبت اسناد و شهرداری هستند. بنابه اظهارات یک مقام آگاه در دادرسی انقلاب اسلامی اصفهان، از کل کارمندان ادارات مذکور، فقط دو نفر از هر اداره دستگیر نشده و مابقی متخلف بوده‌اند. وی اعلام داشت که، "متهمین تاکنون صدها میلیون ریال رشوه گرفته‌اند و صدها میلیارد ریال به بیت

المال ضرر زده‌اند." این مقام به افزایش موارد فساد اداری و رشوه‌خواری در اصفهان اعتراف کرد.

باید توجه داشت که سر نخ همه این باندهای فاسد و خلفکارانه در میان کارکنان ادارات، بنه که در میان خود مسئولین و متنفذین جمهوری اسلامی باید جستجو کرد. در واقع پول هتفت و کلان اصلی، به جیب اینها می‌رود و تازه زمانی که موضوع نقش بر آب شد، عده‌ای از کارمندان به عنوان رشوه‌خوار قربانی می‌شوند. رشوه‌خواری، فساد اداری، قاچاق و خلفکاری را در واقع باید به عنکبوت بزرگی تصویر کرد که توسط تارهای تنیده پیرامونش فریب می‌شود و در مواقع خطر، تنها بخشی از تارها را از دست می‌دهد که جبران پذیر است. خود این عنکبوت بی‌کمان در دل حکام بر از اول جمهوری اسلامی، خانه کرده است.

نمایشگاه بین المللی تهران
با افتضاح پایان یافت

نمایشگاه بین المللی تهران، به سبب همه ساله، در روزهای ۱۰ الی ۲۱ شهریور برگزار شد. با اینکه مرکز توسعه صادرات جمهوری اسلامی ایران چند ماه قبل از برگزاری نمایشگاه، از کشورهای دیگر دعوت به عمل آورده بود، ولی کمتر کشوری در نمایشگاه حضور فعال داشت. از ۳۵ کشوری که دعوت را پذیرفته بودند، به استثناء چند کشور بقیه تنها با عکس و پوستر در نمایشگاه حضور یافتند، و نمایشگاه بین المللی، در عمل تبدیل به نمایشگاه عکس و پوستر شد. با آنکه جمهوری اسلامی از کشورهای خارجی خواسته بود تا کالاهای صنعتی و پیشرفته خود را در نمایشگاه، ارائه کنند، در عمل بعضی از کشورها در کنار عکس و پوستر، چند کالا از قبیل گوشت یخ زده، دستکش، ظرف و ظروف و از این قبیل را به نمایش گذاشتند. غرفه بخش خصوصی کشور، با عرضه سوس مایونز، پودر لباسشویی و آبلیمو عملاً بدل به فروشگاه شده بود. مردم به توصیه مسئولین نمایشگاه واقعی ننهاد و محموله نمایشگاه را بدل به محل بیکنیک کردند. شلاق خوردن یک مسئول نمایشگاه به دلیل اینکه با یکی از زنان خارجی، توأم با خنده، در حال گفتگو بوده است، نیز گزارش شده است. بهر تقدیر نمایشگاه با شکست نمایان پایان یافت.

انحلال سازمان پیشاهنگی کشور

تعلیلات تابستانی مجلس روز ۲۴ شهریور پایان یافت. مجلس در اولین جلسه خود بعد از این تعلیلات، طرح انحلال سازمان پیشاهنگی کشور را به تصویب رساند. مسئولین عنوان نموده‌اند که تمام امکانات این سازمان را در اختیار سازمان جوانان و نوجوانان قرار خواهند داد. طرح تأسیس این سازمان به زودی به مجلس ارائه خواهد شد. "تأسیس باشگاهها، مراکز تربیتی، برگزاری جشنها و جشنواره‌ها و تماس با جوانان مسلمان کشورهای دوست"، از جمله اهداف این سازمان طرح شده است.



گسترش اخراج کارگران

بهران ارزی و مالی شدیدی که گریبان رژیم را گرفته است موجب کاهش ذخیره ارزی و عدم کفایت اعتبار برای تامین و تهیه مواد و قطعات مورد نیاز کارخانجات شده است. بدین سبب سطح تولید در تعداد قابل توجهی از واحدهای تولیدی، صنعتی افت کرده و موجب تعطیلی موقت بسیاری از این واحدها شده است. در این رابطه مسئولین و مدیران کارخانه‌ها به بهانه‌های گوناگون دست به اخراج، نقل و انتقال اجباری و در مواردی بازخرید اجباری زده‌اند. نمونه‌های زیر از اینگونه اند:

* در ایران خودرو (ایران ناسیونال) تا اوایل خرداد ماه بیش از ۹۰۰ نفر از کارگران بخش ساختمانی را که روزمزد بودند اخراج کرده‌اند.
* مدیریت شرکت کشت و صنعت کارون (خوشتر) از اوایل تیر ماه جاری تاکنون حدود هزار نفر از کارگران طرح موقت خود را که سوابقی از یک تا پنج سال داشتند، اخراج کرده است.
* در کارخانه پلموند، ۵۰٪ از کارگران بازخرید و ۲۵٪ از آنها با نیمی از حقوق به مرخصی اجباری فرستاده شده‌اند.

* در شرکت میپال کو (تولید کننده ماشین آلات راهسازی) صد نفر از کارگران اخراج گردیده‌اند.

* در کارخانه قرقره زیبا تعداد قابل توجهی از کارگران موقت و کارگران و کارمندان با سابقه کمتر از یکسال اخراج شده‌اند. این روند کماکان ادامه دارد.

* در هفته پایانی خرداد ماه، کفش شادان پور حدود هفتاد نفر از کارگرانی که در سال‌های ۶۲ و ۶۴ استخدام شده بودند، اخراج گردیده‌اند.

* در کارخانه نیتون حدود چهل نفر از کارگران بازخرید شده‌اند.

* در کارخانه کابل سازی ایران ایکو نیز تعدادی از کارگران موقت اخراج شده‌اند.

استعفای اجباری در کارخانه بهپوش

مدیریت کارخانه بهپوش به هشتاد نفر از کارگران این واحد گفته است که می‌باید کتبا استعفا دهند. کارگران مذکور تن به استعفای اجباری نداده‌اند. مسئولین در نظر دارند اکثر کارگران را اخراج نموده و با خیال راحت کارخانه را به بخش خصوصی واگذار کنند. اخراج و درخواست به استعفا در کارخانه مینونیز مطرح شده است.

وحشت از شعار نویسی کارگران

با افزایش فعالیت نیروهای انقلابی در کارخانه کیان تایر (بی اف گودریچ سابق)، مدیریت و انجمن اسلامی در نیمه دوم خرداد ماه اقداماتی

بجهت کنترل قسمتهای مختلف کارخانه انجام داده‌اند. آنها از جمله به سوراخ کردن درب توالت‌ها برای جلوگیری از شعار نویسی پرداختند. کارگران به تمسخر آنها پرداختند. جو تفسیر و اعتراض چنان بالا گرفت که دوباره به جوش دادن آهن و بستن سوراخ‌ها پرداختند اینکارها موجب استهزا، بیشتن کارگران گردید.

بازگشت خان‌ها

در استان باختران، فئودال‌های بزرگی چون عسکر خان سنجابی و پسر امیر احتشامی با حمایت سپاه و دیگر نیروها، سرکوبگر اقدام به پس گرفتن زمینهای تقسیم شده بین دهقانان کرده‌اند. افراد عسکر خان سنجابی گفته‌اند ما همینکه از زمین‌های ما از این در دست افراد نالایق! باشند. آنها گفته‌اند ما از طرف دادستانی حکمی مبنی بر پس گرفتن زمین‌ها بعد از درو امسال داریم و ادعا کرده‌اند که نیمی از محصول امسال نیز باید به آنان داده شود.

دهقانان تاکنون با مراجعه به مسئولین و برخورد با پاسدارانی که بجهت حمایت از عسکر خان به روستا رفته بودند، اعتراضات خود را بیان داشته‌اند.

در یک مورد تعدادی از دهقانان توسط سپاه مورد ضرب و جرح قرار گرفته و بعضی از آنها نیز به زندان سپاه برده شدند. علیرغم این فشارها، هنوز مقاومت دهقانان علیه خان مزبور و حامیان اش برپا دارد.

حاج احمد آقامخلص زمینداران

فردی به اسم علوی که قبل از انقلاب قاضی بود (هم اکنون منزل وی در سر پل تجریش ابتدای مصدق جنب پست و تلفات می‌باشد) عملاً واسطه بین سید احمد خمینی و زمینداران بزرگ فراری و غیر فراری است. وی با گرفتن رشوه‌های دو سه میلیون تومانی، زمین‌های زمینداران بزرگ را که بعد از انقلاب به تصرف دولت در آمده بود، با همکاری سید احمد خمینی، به آنها برمی گرداند برادر این شخص معمم است و در یوسف آباد تهران ساکن می‌باشد.

علوی از دست اندرکاران کودتای ۲۸ مرداد بوده است.

شما دیگر چرا؟

یکی از بازاریان سرشناس تهران بنام -ناج ایمانی ملی یک سخنرانی در بازار تهران، ضمن انتقاد از دولت در رابطه با کمبود ارز و عدم تخصیص اعتبار کافی به سرمایه‌داران سخن گفت و مطرح کرد که دولت با ندادن تمام ارز و اعتبار موجود به سرمایه‌داران باعث بربود آمدن گران و خرابی اقتصاد مملکت شده است.

در حین سخنرانی، هادی غفاری همراه با دارو دسته اش در محل حاضر شده و به حاج آقا ایمانی اعتراض می‌کند که چرا از دولت مورد حمایت امام انتقاد می‌نماید و وی جواب می‌دهد که چنان آقای غفاری، شما دیگر چرا از صحبت‌ها، من ناراحت می‌شوید. من از افرادی مانند شما حمایت می‌کنم. مگر کارخانه‌های

شما اکنون وضعیتان چطور است. خود شما خراب می‌دانید که وضع از چه قرار است. هادی غفاری و دارو دسته اش بعد از این صحبت از مجلس خارج شدند.

اخذی از مردم در مدارس

مسئولین آموزش و پرورش بمنظور جمع آوری پول، اقدام به چاپ قبض‌های مالی کرده‌اند تا امتحان ثبت نام دانش آموزان، والدین آنها را تحت فشار قرار داده، از آنها پول بگیرند. بعنوان نمونه در دبستان زینب راقی در خیابان خواجه عبدالله تهران، هزینه ثبت نام بر اساس قبض مالی! پانصد تومان است.

این زورگویی با اعتراض مردم مواجه شده است. جمع آوری پول به بهانه‌های گوناگون از جمله کمک به انجمن اولیا و مربیان صورت می‌گیرد.

قرارداد خرید خمپاره از پاکستان

بین ایران و پاکستان قرارداد، مبنی بر خرید خمپاره از پاکستان بازا نفت ایران، منعقد شده بود که پاکستان به پیانه دریافت پول نقد بجای نفت می‌خواهد قرارداد را فسخ کند. دولت ایران اعتراضنامه‌ای علیه این تصمیم تهیه کرده است.

جواهر دردی جمهوری اسلامی

"گفته میشود که پس از بمباران بیست منطقه تهران، سپاه و کمیته به مناطق مذکور رخنه و تمام جواهرات و پول نقد در خانه‌های ویران شده را می‌برند و شمارا به استناداری تحویل می‌دهند. در کابینه وقتی احوالی داغیده این مناطق برای پس گرفتن آنها به استناداری مراجعه می‌کنند آنها را بی‌الذمی می‌کنند، در یک مورد فکلید چفت کوشواره بچه‌خانه به یکی از آنها تحویل داده می‌شود.

— در شب بمباران، گیشانیز وقتی که کشته شدگان را به بیمارستان شریعتی بردند، پاسداری بایک کیسه که آرم جمهوری اسلامی بر آن نقش بسته بود، به سراغ اجساد رفته و سریعاً آنها را قیمتی و جواهرات کشته شده مارا بر میداشت و در داخل کیسه می‌ریخت.

چاسوسان ساواک جمهوری اسلامی

ساواک جمهوری اسلامی (وزارت اطلاعات) افراد خود را به قسمتهای مختلف سازمانها، ارگانها، ادارات و هم چنین بیمارستانهای فرستد. این عناصر جزو پرسنل همان واحدها محسوب می‌شوند و در آنجا به مثابه یکی از کارکنان آن واحد از همانجا حقوق دریافت می‌کنند.

اعزام اشرار به افغانستان

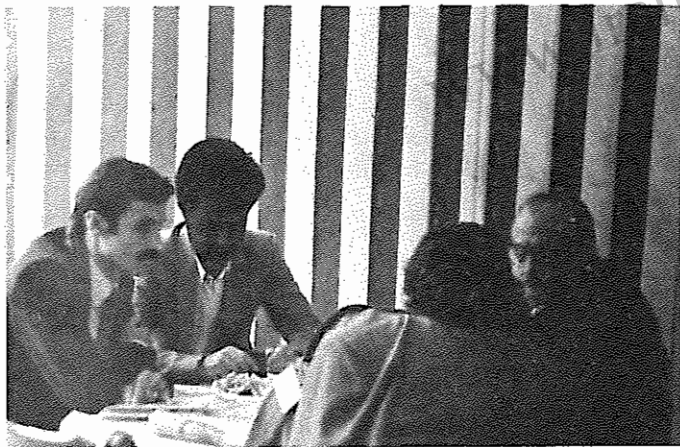
وزارت کشور جمهوری اسلامی و سازمانهای تابعه آن، افغانیهای مقیم را به اجبار سه ماه در سال به جبهه جنگ علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان اعزام می‌کند و در صورت مخالفت، افغانه با این دستور، کارت اقامت آنها تمدید نمی‌شود.

شرکت در جشن پرسکوه "اومانیته"

بقیه از صفحه اول

گرفت. این غرفه، با سر در توجه برات نیز آن که تصویری از مبارزات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی را ارائه می‌داد، در سبزه بین المللی نمود چشمگیری داشت. بازدید کنندگان از غرفه که در میان آنها شخصیت‌های مشهوری از سرتاسر جهان به چشم می‌خورد، همتی متن نامه‌هایی را امضا کردند که در آنها به کشتار و اختناق در ایران و تداوم جنگ ایران و عراق اعتراض شده بود.

حضور رفیق مهدی فتاپور، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ماو مسئول و نماینده سازمان در خارج از کشور، در جشن اومانیته به دعوت حزب کمونیست فرانسه، برد بیشتری به فعالیت‌های غرفه ایران بخشیده بود. در جریان جشن ملاقات‌های مهمی بین هیات نمایندگی ایران با هیات‌های نمایندگی احزاب برادر از کشورهای مختلف صورت گرفت. هیات‌های نمایندگی احزاب برادر در جریان این ملاقات‌ها در جریان مواضع سازمان در قبال وضعیت موجود در ایران و مسائل عمده بین المللی قرار گرفتند.



عکسی از ملاقات رفیق فتاپور با سرپرست هیات نمایندگی حزب کمونیست یونان در جریان جشن اومانیته ملاقات‌های مهمی بین هیات نمایندگی سازمان با هیات‌های نمایندگی احزاب کمونیست از کشورهای مختلف به عمل آمد.

در این ملاقات‌ها یکبار دیگر احزاب کمونیست کشورهای مختلف همبستگی خود را با مبارزات کمونیست‌های ایران تحت شرایط نظری از حیث اختناق و کشتار و پیچیدگی مسائل، ابراز داشتند. در جریان جشن مصاحبه‌های مطبوعاتی چندنی نیز از طرف ارگان‌های احزاب کمونیست کشورهای مختلف با رفیق فتاپور به عمل آمد.

کردند. رفیق رولان رولا، مدیر روزنامه اومانیته و مسئول جشن در طی یک سخنرانی گفت: "جشن امسال، یک جواب دندان شکن به کسانی است که حزب کمونیست را ایزوله، منفرد و بسته قلمداد می‌کنند." اهمیت جشن امسال علاوه بر شرکت وسیع مردم در آن، در این موضوع نیز بود که آغاز مبارزه انتخاباتی حزب کمونیست فرانسه محسوب می‌شد. این موضوع در سخنرانی ژرژ مارش نمود بارزی داشت.

محوله جشن به بخش‌های مختلف تقسیم شده بود. در یک محوله سن اصلی قرار داشت. محوله‌ای به روزنامه اومانیته و محوله دیگری به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه اختصاص داشت که در آن نمایشگاهی با عنوان "کمونیست‌ها در نوبت مقاومت" برپا شده بود. فضایی نیز برای کارخانه "رنو" در نظر گرفته شده بود که مظهر مبارزه کارگران فرانسه علیه بیکاری و استثمار محسوب می‌شد. بخش‌های مختلف حزب کمونیست فرانسه نیز غرفه‌هایی ویژه خود داشتند.

محوله سبزه بین المللی، سن بزرگی احداث شده بود که در آن برنامه‌های مختلف هنری از رقص و آوازهای کشورهای مختلف، شوروی و گروه آماتور کارگران راه آهن از جمهوری ارمنستان، چین، شیلی، ایران (گروه نوشین)، آلمان دمکراتیک و... اجرا می‌گردید. امسال نیز غرفه "کار" و "نامه مردم" از ایران، مورد بازدید هزاران نفر از شرکت کنندگان در جشن قرار

کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) حزب کمونیست عراق و حزب نوده ایران

بقیه از صفحه اول

را در جنگ از دست نداده باشد. سه میلیون آواره جنگی در ایران وجود دارد. خسارات جنگ بنا به تخمین خود رژیم بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار است. گذشته از تلفات انسانی و تأثیرات اجتماعی جنگ که جبران ناپذیر است، جبران خسارات مادی آن سال‌ها زمان می‌برد.

مردم ایران مخالف ادامه جنگند. مدت‌هاست که جوانان از رفتن به جبهه امتناع می‌ورزند. کشتی‌های رژیم به دستگیری جوانان در نیابانها و اعزام آنها به جبهه می‌پردازند. حرکت‌ها و تظاهرات عظیمی که در چند ماهه اخیر در اغلب شهرهای ایران نظیر تهران، اصفهان، بروجرد، مشهد و... اتفاق افتاد نماینده نفرت مردم ما از جنگ طلبی رژیم خمینی بود. آمریکا و برخی دولتهای غربی در عین حال که در لفظ خود را مخالف جنگ وانمود می‌کنند، با رساندن مستقیم یا غیر مستقیم اسلحه رژیم خمینی را در ادامه جنگ یاری می‌دهند. ما از همه احزاب، سازمانها و شخصیت‌ها و زنان و مردان دوستدار صلح می‌خواهیم که نسبت به ادامه جنگ ایران و عراق اعتراض کرده و مانع از فروش اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی گردند ما از آنان می‌خواهیم مردم ایسران عراق را در برقراری صلح یاری دهند.

پس نماینده حزب نوده ایران در ادامه گفته‌های سخنرانان قبلی اظهار داشت که تمام منابع اقتصادی ایران در خدمت جنگ قرار گرفته است. شرکت‌های امپریالیستی با استفاده از شرایط جنگی هر روز نفوذ خود را در ایران گسترش داده و اقتصاد ایران هر چه بیشتر در سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی وارد می‌شود. بموازات این روند فروش اسلحه به ایران بازاری پر رونق یافته است و کشورهای امپریالیستی و تجاوزگری چون آمریکا و اسرائیل با فروش اسلحه به ایران، به رژیم خمینی در ادامه این جنگ یاری می‌رسانند. شرایط جنگ باعث گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه گردیده است. رفیق نماینده حزب نوده ایران در پاسخ به سؤالات خبرنگاران تأکید کرد که کمونیست‌های ایران و عراق مخالف دخالت دولتهای دین‌تر دامور داخلی خویش هستند. وی سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر تعمیل خواست خود به مردم عراق را محکوم کرد.

ضمن محکوم کردن تلاش‌های حکومت عراق در جهت بین المللی و عربی کردن جنگ که خود را به شکل اقداماتی چون بمباران‌های هزایر، جنگ کشتی‌ها و... به نمایش می‌گذارد مواضع حزب کمونیست عراق را در مقابل حکومت عراق ابراز داشت. "انجام اقداماتی جهت پایان دادن به جنگ و سرنگونی حاکمیت فاشیست و دیکتاتور با همیاری دیگر نیروهای مخالف متشکل در جبهه دمکراتیک میهنی و برقراری دولتی دمکراتیک و ملی که صلح عادلانه و دمکراتیک، دمکراسی در عراق و خودمختاری واقعی در کردستان را مستقر می‌سازد" رفیق مهدی زمیر حاضر نشان ساخت: "مبارزه برای صلح به امری جدایی ناپذیر از نبرد علیه دیکتاتور تبدیل شده است."

پس رفیق مهدی فتاپور به بیان نظرات سازمان در مورد جنگ ایران و عراق پرداخت رفیق فتاپور اظهار داشت: "۵ سال قبل، این جنگ با تحریک و خواست امپریالیسم آمریکا توسط رژیم صدام آغاز گشت و رژیم جمهوری اسلامی آنرا ادامه داد. امروز پس از ۵ سال خونریزی، اصرار رهبران جمهوری اسلامی در ادامه جنگ همه روزنه‌ها را بسوی صلح مسدود کرده است. مردم ایران و مردم عراق هیچ‌یک این جنگ را نمی‌خواستند و نمی‌خواهند. این جنگ فقط بسود امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه بود. آمریکایی‌ها موفق شدند با بهانه جنگ حضور نظامی خود را در منطقه افزایش داده پایگاه‌های نظامی خود را در سوماتلی، مصر و عمان گسترش دهند و آنها را بعنوان جبهه‌ای برای سرکوب همه خلق‌های منطقه بکار گیرند. تونله علیه خلق فلسطین و لبنان در شرایطی امکان گسترش یافت که جنگ ایران و عراق توجه تمام نیروها را به خود جلب نموده بود. در داخل ایران جنگ به تقویت و تحکیم مواضع راست‌ترایان کمک کرد و آنها را شرایط ادامه جنگ موفق شدند به کلیه دستاوردهای انقلاب یورش ببرند. رژیم خمینی به سرکوب تمام نیروهای میهن پرست پرداخت."

جنگ در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خسارات هنگفتی به مردم ما وارد آورد تاکنون این جنگ بیش از یک میلیون کشته و مجروح بجای گذاشته است. کمتر خانواده‌ای است که یکی از اعضا خود

خشم و انزجار فزاینده نیروهای ترقیخواه جهان از صدور احکام فدائیان اسیر

حزب کمونیست بریتانیا، در شماره جمعه ششم سپتامبر خود، با به چاپ رساندن بخش‌هایی از اعلامیه کمیته مرکزی، توجیه اعدام رهبران سازمان را افشا و محکوم کرده است. این روزنامه می‌نویسد، رفیق رضی‌الدین تابان از انقلاب‌پویان سرشناس... و از رهبران برجسته جنبش دانشجویی و جوانان کشور است. تابان در طی سه سال گذشته در زندان، قهرمانانه و با پایمردی، یولادین زیر شکنجه‌های بیرحمانه و مستمر جسمی و روانی ایستادگی کرده است.

روزنامه مذکور می‌افزاید: جهان انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان نیز تهدید می‌شود. او طی دو سال گذشته در زندان بسر برده و زیر شکنجه‌های وحشیانه و بی وقفه رژیم خمینی دلیرانه در برابر دشمن ایستاده است. مورنیتک استار، در پایان، فراخوان سازمان برای جلوگیری از اعدام فدائیان اسیر را مورد تأکید قرار می‌دهد.

در روزهای ششم و هفتم سپتامبر، "حزب کمونیست بریتانیا - شاخه بارو"، "شورای اتحادیه‌های شهر بارو" و "کارزار کامیونیتی‌ها علیه سموات رادیو آکتیو در محیط زیست"، هر یک در نامه‌های اعتراضی جداگانه به سفارت ایران در بریتانیا، خواهان لغو حکم اعدام فدائیان اسیر شدند.

در نامه حزب کمونیست بریتانیا - شاخه بارو، آمده است: اعضای حزب ما خواستار آنند که حکم اعدام رفقای ایرانی‌ما، رضی‌الدین تابان و انوشیروان لطفی ملغی گردیده و به شکنجه و کشتار اعضای سازمان

تشکیلات گروه‌ها (سبزها) در ایالت سن، با ارسال تلگرامی به سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال، ضمن محکوم کردن صدور احکام اعدام علیه اپوزیسیون رژیم، خواهان لغو احکام صادره درباره رفقا، انوشیروان لطفی، رضی‌الدین تابان و دیگر زندانیان شده است. سازمان صلح آلمان - ایالت سن، نیز با ارسال نامه‌ای احکام صادره اعدام را محکوم کرده است. در نامه این سازمان آمده است: هیئت رئیس سازمان صلح آلمان - ایالت سن، شدیداً به احکام صادره از طرف رژیم جمهوری اسلامی علیه عده‌ای از اعضای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که به جرم میهن پرستی و دفاع از صلح، عدالت اجتماعی و آزادی در اسارت بسر می‌برند، اعتراض کرده و با خانواده اعلام همبستگی می‌کند.

فرانسه کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (CFDT)، طی تلگرامی به سفارت جمهوری اسلامی در پاریس احکام اعدام صادر شده را به شدت محکوم نموده است. این کنفدراسیون با ابراز نفرت علیه اقدامات رژیم مبنی بر زیر پا نهادن آزادی‌های فردی و حقوق شهروندان ایران، خواهان: برقراری حقوق سیاسی در ایران، برگزاری محاکمات با حضور ناظران بی‌طرف بین‌المللی، آزادی زندانیان سیاسی که برای صلح و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، گشته است.

بریتانیا روزنامه "مورنیتک استار" ارکان

رژیم پلید خمینی با صدور حکم اعدام چهار تن از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منجمله رفقا انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی و رضی‌الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان، خشم و انزجار فزاینده نیروهای ترقیخواه جهان را علیه خود برانگیخته است.

در کشورهای آلمان فدرال، فرانسه، بریتانیا، و هندوستان، بشریت پیشرو با ستایش ایشان و قهرمانی فدائیان در بند، خواهان لغو احکام اعدام علیه آنها شده است.

آلمان فدرال از سوی اتحادیه ضد فاشیستهای آلمان نامه‌ای در محکومیت احکام اعدام صادر شده برای فدائیان و توده‌ایهای اسیر صادر شد در نامه اتحادیه ضد فاشیستها آمده است:

"در سازمان ما، اتحادیه ضد فاشیستها، بسیاری از مبارزان قدیمی که علیه رژیم نازی مبارزه کرده‌اند گرد آمده‌اند. بدلیل تجارب تاریخی و سابقه مبارزاتی و چیدن طعم تلخ بی عدالتی، ما با تمام قوا و انرژی علیه این محاکمات اعتراض می‌کنیم. میهن پرستانی که به محاکمه کشیده شده‌اند گناهی جز مخالفت با جنگ ایران و عراق و مبارزه در راه احقاق حقوق انسان‌ها ندارند. ما خواهان لغو احکام اعدام صادر شده و برگزاری علنی محاکمات هستیم."

- سازمان جوانان حزب کمونیست آلمان (sdaj) در استان راین‌لند فالز، با ارسال نامه‌ای اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی ایران، قانعانه به احکام اعدام صادر شده از سوی جمهوری اسلامی ایران علیه اعضا و رهبری حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اعتراض کرده و خواستار لغو فوری احکام صادره شده است.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تمامی دیگر نیروهای مرفقی در ایران پایان داده شود. این نامه به امضای نورمن هیل دبیر حزب - شاخه بارو رسیده است.

دبیر شورای اتحادیه‌های شهر بارو در نامه خود نوشته است: شورای ما از طرف هیئت هزار عضو خود، محاکمات مخفی اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را مطلقاً محکوم می‌نماید. ما خواستار لغو احکام اعدام رضی‌الدین تابان و انوشیروان لطفی و پایان دادن به کشتار همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

در نامه دبیر "کارزار کامیونیتی‌ها..." نیز، می‌خوانیم: بعنوان مسئول کارزار فوق اعتراض خود را نسبت به صدور حکم اعدام رضی‌الدین تابان و انوشیروان لطفی اعلام می‌دارم.

هندوستان

در تاریخ ۲۹ اوت ۸۵، از سوی انجمن دموکراتیک زنان تامیل نادو، اعتراضیه‌ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی ایران در دهلی، نو، ارسال گردید.

در این نامه ضمن بیان تاسف و انزجار از صدور احکام اعدام علیه بچه‌ها از اعضا، رهبری سازمان، آمده است: "تعداد بی شماری از کادرهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همچنین حزب توده ایران به عنوان زندانی، تحت شکنجه‌های ضد انسانی و بیرحمانه قرار می‌گیرند."

"ما ادامه بی رحمی‌هایی را که بر ایرانیان دمکرات و مرفقی از جمله تعدادی از زنان ایرانی روا داشته می‌شود، قویاً محکوم می‌کنیم." این نامه به امضای رئیس این انجمن ماتیلی سیورمان و دبیر آن و جایا جانانی رمان رسیده است.

احکام غیرقانونی اعدام و جنایات تبهکاران حاکم تهیه شده‌بود، امضا نمودند.

در دومین روز جشن، رفیق فرانکس موری دبیر کل حزب کمونیست اتریش، رفیق کارگر مسئول بین‌المللی و یکی دیگر از اعضای کمیته مرکزی حزب از غرفه فدائیان و توده‌ای‌ها دیدار بعمل آوردند. در پایان رفیق موری ضمن امضای متن فوق، همبستگی حزب کمونیست اتریش را با رژیم مردم ایران اعلام داشت و گفت: کمونیستهای اتریش در مبارزه علیه جنگ و بیدادگری همیشه در کنار شما خواهند بود.

"نامه مردم" در جشن "صدای خلق" شرکت جستند.

غرفه فدائیان و توده‌ای‌ها با شعارهای فارسی و آلمانی "پیروز باد مبارزه خلق در راه سرتوئی رژیم جمهوری اسلامی"، "آزادی برای زندانیان سیاسی"، متحد شویم! علیه جنگ، برای صلح بپا خیزیم" و... تزیین شده‌بود.

بیش از هزار نفر از بازدیدکنندگان غرفه، به نشانه همبستگی با مبارزات مردم ایران و محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی، متنی را که خطاب به پارلمان اروپا درباره وضع زندان‌های ایران،

جشن چهلمین سالگرد انتشار روزنامه "صدای خلق" ارگان حزب کمونیست اتریش

است. بازدیدکنندگان ضمن تماشای برنامه‌های هنری و ورزشی از غرفه‌های مختلف نیز دیدن کرده، با فرمت، اوضاع سیاسی و مبارزه خلق‌های دیگر کشورها آشنا می‌شوند.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، در اتریش نیز جهت افشای چهره جنگ‌طلب و جنایتکار رژیم ج.ا. به‌برپایی غرفه "کار" و

جشن فولکس اشتیمه (صدای خلق) خلق روال همیشگی در پایان ماه اوت و اول سپتامبر، برگزار شد. کمونیستهای اتریش امسال چهلمین سالگرد انتشار روزنامه‌شان را بر اساس تدارکات چندماهه، با شکوه کم نظیری جشن گرفتند.

این جشن معروف هر ساله در پارک "پراتر" وین برگزار می‌گردد که از نظر تعداد زیاد شرکت کنندگان یکی از جشن‌های کم نمونه اتریش

طرحی از پیکاسو:

زنده باد صلح!



سه میلیون یا چند هزار؟

داریم، حال که انتخابات ۱۴ میلیونی داریم، چه اشکالی دارد. بسیج ۲ میلیونی داشته باشیم. آخر کسی هم غلو کردن اشکالی ندارد و در مصلحت است. مخالفین هم می گفتند، نه آقا، ۲ میلیون زیاده، مردم نمی پرسند که چرا با ۲ میلیون بسیجی حاضر و آماده، جنگ را خاتمه نمی دهید؟ و معتقد بودند باید قضیه را درز گرفت. خلاصه بعد از یک و چاه زدنهای معمول در جمهوری اسلامی، توافق کردند، نیروی بسیج را از ۲ میلیون نفر به چند هزار تنزل داده و در کیهان ۲۲ شهریور، و در نقل همان سخنان رفسنجانی این توافق جامه عمل پوشید و مردم متعجب و حیران مشاهده کردند نیروی بسیج ۲ میلیونی، یک شبه تا چند هزار نفر آب رفت و در واقع حداقل هزار مرتبه کوچک شد.

تلاش مسئولین حکومتی در هفت گذشته، همانا ماست مالی کردن دسته گنی بود که آقای رفسنجانی در نماز جمعه هفته پیش آب داده بود. آقای رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه هفته گذشته، ضمن تهدید کشورهای منطقه عنوان کرده بود که ما ۲ میلیون بسیجی حاضر و آماده داریم که قادرند جنگ را به شکل دیگری خاتمه دهند. این خبر عینا در رادیو ایران و جریده دولتی جمهوری اسلامی ۲۲ شهریور پخش و نشر یافت. بعد که کار از کار گذشت، مسئولین مملکتی شور کردند و مقرهای یوگوشان را یک کاسه نمودند که نه، این رقم خیلی بزرگ است. آخر ۲ میلیون بسیجی حاضر و آماده از کجا پیدا شده که همان از آن بی خبرید! مدافعان رفسنجانی عنوان می کردند حال که راهپیمایی قدس ۵ میلیونی

قهرمانی چیست؟

مسئولیت اجتماعی و سایر تعهدات اخلاقی را پیش از حد عادی و روزمره می پذیرند. انسانهایی که دست به قهرمانی زده و رسالت والای خود را در برابر مردم انجام داده اند، در اذهان مردم به عنوان قهرمان باقی می ماندند. آمادگی برای انجام عمل

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل، فیلسوف آلمانی می نویسد قهرمانان گرامان جهان نویینند. این امر، واقعیت دارد، به ویژه در مقایسه پرخش در تاریخ، که در آن انسانهای قادر به انجام اعمال قهرمانی بیشترین فعالیت را از خود نشان می دهند و

از ادبیات گمنام فارسی

گلی چند از گلستان سعدی

یکی از ملوک بی انصاف پارسی را پرسید: "از عبادت کدام فاضلتر است؟" گفت: "ترا خواب نیم روز تا در آن یک نفس خلق را نیاز آری!"

~~~~~

رو بادی را دیدندش کریزان و بی خوشتن، افتان و خیزان. کسی گفتش: "چه آفت است که موجب منافقت؟! گفتا: "شنیده ام که شتر را به سخره می گیرند گفتا: "نفید! شتر را با توجه مناسبت است و ترا بدوجه مشابعت؟" گفت: "خاموش که اگر حسودان بفرض گویند شتر است و گرفتار آیم، کراغم تالیص من دارد، تا تفتیش حال من کند؟ و تا تریاق از عراق آورده شود، مار کزیده مرده بود!"

~~~~~

بناماد تلم در جهان، اول اندکی بوده است. هر که آمد پرو مزیدی کرده، تا بدین غایت رسیده

~~~~~

نه هر که قوت بازوی، منسبی دارد به سلفنت بنورد مال مردمان بد کژاا توان به حق فرو بردن استخوان درشت ولی شک ندارد، چون بنبرد اندر زانف

~~~~~

دو برادر، یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خورد. باری این توانگر گفت درویش را که: "چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟" گفت: "تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رهایی یابی؟ که بزرگان گفته اند نان خود خوردن و نشستن، به که کمر شمشیر زرین به خدمت بستن!"

بدست آهک تخته کردن خمیر به از دست بر سینه پیش امیر

~~~~~

شبی در بیابان مکه از بی خوابی، پاهای رفتم نبود. سر بنهادم و شتر بان را گفتم: "دست از من بدار!" گفت: "ای برادر! حرم در پیست و حرامی در پیست. اگر رفتی بر دی و گر خفتی مردی."

~~~~~

عابدی را پادشاهی طلب کرد. اندیشید که دارویی بخورم، تا ضعیف شوم، متر اعتقادی که دارد در حق من، زیادت کند. آورده اند که داروی قاتل بنورد و بمراد!

~~~~~

عابدی را حکایت کنند که شبی ده من لعام بخوردی و تا سحر ختمی در نماز بگودی. صاحب دلی شنید و گفت: "اگر نیم نانی بخوردی و بهفتی، بسیار از این فاضلتر بودی!"

~~~~~

یکی از صاحبان زور آزمایی را دید بهم بر آمده و کف بر دماغ انداخته. گفت: "این را چه حالت است؟" گفتند: "فلان دشنام دادش." گفت: "این فرومایه هزار من سبک بر می دارد و طاقت سخنی نمی آورد!"

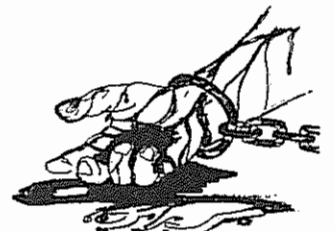
بس است، ول کنید!

«قهرمانی، قبل از هر چیز بواسطه پایداری انسان، پختنی اخلاقی، قدرت احساس و شخصیت وی تعیین می گردد. پیش می آید که انسان در تمام طول عمر خود به سوی یک عمل قهرمانی گام برمی دارد و خصوصیات ارادی لازم برای آن به تدریج در وی شکل می گیرد. در عمل قهرمانی، هم تکامل معنوی و اخلاقی شخصیت قهرمان و هم ثمره این روند پیوند می یابند.

بلافاصله قبل از عمل قهرمانی، موقعیتی هست که در آن باید انتخاب کرد، موقعیتی که تصمیم به اجرای عمل مستلزم شجاعت تصمیم گیری، دلاوری و فداکاری است. خود عمل قهرمانی معمولاً با خطر جانی همراه است. از این رو تصمیم به عمل قهرمانی و خود آن، عالی ترین شکل آزادی معنوی انسانهاست. این آزادی بدان معناست که انسان دست به انتخابی می زند که منطبق با ضروریات اجتماعی است و شخص بر مبنای ویژگیهای فردی خود قادر به تحقق بخشیدن به آن است.

در حالیکه درجه آمادگی انسان برای عمل قهرمانی را اساساً ایمان وی به آرمانش تعیین می کند، خود عمل قهرمانی بازتاب اراده است. اراده چیزی نیست جز تظاهر نیروی روان و احساسات. بدون اراده، انسان فاعل هم نیست تا چه رسد اینکه به قهرمان باشد. بدون اراده، قهرمانی تحقق ناپذیر است. اندیشه قوی و احساسات گرم، ضریب اراده، امکان انجام عملی را می دهد که اغلب غیر ممکن، غیر قابل تصور و باور نکردنی به نظر می رسد...

یک معیار مهم برای اعمال قهرمانانه، نقش و اهمیت آن در تکامل اجتماعی، ارزیابی اجتماع از اهمیت، ارزش و خارق العاده بودن آن است. یکی عمل قهرمانانه، در تحلیل نهایی وسیله ای برای گسترش مرزهای امکانات انسان در پیرامون اجتماعی و معنوی اوست. (بخشی از مقاله "پدیده قهرمانی"، نوشته پروفسور سرلشکر دیبیتری و لئوگوف، از: "سویالیسم، تئوری و پراتیک"، شماره ۹ سال ۱۹۸۵).



غروب بود و آفتابی رنق پریده که عده ای از اهالی را آوردند کمیته. در بین این عده، جوانی بود خوین و مالین شده که لباسهایش دریده و جای جای بر آن رنق خون دویده بود. از قرار معلوم کمیته چیهایی را به حسابی ازش "پذیرائی" کرده بودند! اما امان از دست خنده اش، مگر این خنده قطع می شد، نه... مدام می خندید. خنده کشدار و مستمرش، حسابی مامورین کمیته را کلافه کرده بود. "حاج آقا" هم که مسئولیت کمیته را بر عهده داشت، به محض دیدن این جوان با این سرو وضع و خنده های متند و لولائی، از تعجب خشکش زده و چرت دم عصرش که به دراز کشیده بود، یکباره پاره شد. انشما را درهم کشید، بر میبشت پیره اش افزود و گفت:

— این ولد زناچه کرده؟

انخوان سرکوب هریک با روایتی غلیظتر از دیبیتری از جرم نابخشودنی این جوان پرده بر گرفتند. بعد از افت و خیزها و این و آن پریدن و آن و آن پریدن، معلوم شد که جوان حین شعار دادن علیه مقامات حکومتی و شخص امام و اختلال در نظم عمومی، تحریک مردم به مخالفت با جنگ و... دستگیر شده است. جوانک هم مرتب با خوشسردی می گفت: دروغه آقا قصد خیر داشتم.

برخوردهای جوان باعث خنده پوشیده دیگر اهالی دستگیر شده می گشت. قصد خیر! واقعا قصد خیر در کار پرده است.

حاج آقا، از پشت عینک، نگاه ساواکی مابانه به جوان انداخت و گفت:

— ناخلف، اسم، اسم فامیل، مسئولیت سازمانی، زمان فعالیت، و...

حاج آقا که در پوست خود نمی گنجید، مدام می گفت:

— "مادر فلان... یا الله زود بگو"

خانه تان کجاست، چند نفرید. اسلحه منته چه دارید؟

جوانک هم با بی اعتنائی به دم بدستگاه کمیته نگاه می کرد و اصلاً در حال و احوال قضیه نبود. جوان گفت:

— آقا دروغ محضه، خلاصه، این حرفها کدومه بابا، من اصلاً سواد این حرفها رو ندارم. یک کارگر ساده بیشتر

نیستم. از سرکار می اومدم که دو نفر داشتن دعوا می کردن. دیدیم خدا را خوش نمی آد، اومدیم سواشون کنیم که حضرات ریختند و ما و چند نفر دیگه رو آوردن خدمت شما. همین و همین. بقیه اش پرونده سازی، قربان غلغلی راپورت دادن."

آنچه در کمیته آتشب و تا چند روز دیگر اتفاق افتاد با همه جدا بیشتش بهمانند که در این مختصر جای شرحش نیست، ولی "بزم" جوانک، حسابی قابل لرح است. جوان شاهکاری زده بود که بیابین. همه مسئولین مملکتی ررشته بود و کذاشته بود کنار، به بند و آبادشون هم فتنش داده بود. خلاصه برای رهبران جمهوری اسلامی، جای پدر و مادر شکذاشته بود. اما، موضوع از چه قرار بود:

جوان از سرکار که بر می گشت، توی یکی از چهارراههای خیابان شواب، با صحنه دعوا چاشنه دو نفر روبرو شد. دو نفر بجان هم افتاده بودند و همدیگر را به قصد کشت می زدند. تا همان موقع هم، حسابی همدیگر را تلت و پارت کرده بودند. جمعیت اطراف آنها هم لحظه به لحظه بیشتر می شرو ولی نه کسی از علت دعوا خبر داشت و نه کسی مداخله جدی برای سوا کردن این دو نفر انجام می داد. چند نفر از پیرمردان و زنان محل هم به پند و اندرز اکتفا کرده بودند. ولی دعوا تمام نشو نبود. در این حیث و بیث بود که جوانک فریاد زد:

— بس است، ول کنید. آقا با شام، این کارا عاقبت خوشی نداره، بگردین سرخانه زندگیتان... باز که می زنه... بابا ول کن، تو که شورش رو در آوردی، نه عرضه داری خودت رو تنگه داری و نه عرضه داری حریف رو بهمن کنی، ول کنید، بابا... جنگ و دعوا خوب نیست. ناکس، همه می کن ول کن دیکه... ای بابا صد رحمت به سخت پای قزوین، رو نیست که...

مردم که اول دوزاریشن نیافتاده بود و بی اعتنا بودن کم کم گواشی اومد دستشون. که حرفهای جوان، بو داره. یک دفعه قضیه عمومی شد. هر کسی چیزی گفت و مثلکی بار شون کرد. زنی فریاد زد:

— مرده شور قیافهات رو ببرن، تو اگر مرد بودی و اهل دعوا، خدا احد اقل یک

تارمو، توی صورتت می کاشت. دیکری می گفت:

— نسلان خیکی، تو گوشتا چوب پنجه کردن، نمی شفی مردم می کن بسه. دیتران هم هر کدام چیزی به "آنها" بستند:

— شما دو تا ناکس، که از یک قماشید، ول کنید.

— دعوا بعد از مرگ خلیفه! جوانک از حرکتی که ایچاد کرده بود، غرسند بود. تلاش کرد تا قشایا را یک مدار بالاتر ببرد:

— به جنگ و دعوا خاتمه دهید.

مردم آرامش می نواهند. شما که پاک آسایش مردم را بهم زده اید... نه بابا، اینها ول کن قضیه نیستن. دارم از اینها می کم اگر ول نکنید... مردم خودشان دخالت می کنند.

یکی از افراد حاضر در محل با شنیدن شعار "به جنگ و دعوا خاتمه دهید. مردم آرامش می نواهند"، چشمکی به جوان زد که هزار معنی داشت.

خاتمه پیرمرد، ترا چه به معرکه گیری... برو بی کارت، ما رو راحت کن.

دعوا کننده ها هم، کم کم به حال آمدند. با اینکه رگبار فتنش بود که فشارشون می شد ولی خطا قضیه رو گرفته بودن. مدتی بود که دعوا عملاً ناتمام یافته بود، ولی این دو نفر، تنها برای کش پیدا کردن قضیه، به درگیری تاهرا ادامه می دادند. صدای شایک خنده و قهقهه مردم، لحظه ای قطع نمیشد. بعضی ها حتی رسماً شعارهای ضد دولتی می دادند. بعضی ها هم به فتنشهایی پسند می کردن که جز به صورت شفاهی، قادر به تکرار آن نیستیم. دیکر مگر می شد غاشنه را جواباند. برخی دیگر از مردم به شعارهای عامه فهم ولی پوشیده توسل می جستند، شعارهای:

— مرگ بر حسین کفتر باز!

— مرگ بر شاه!

لحظه ای قلسع نمی شد. بهر استی هم فال بود و هم تماشا. جوان غرسند بود که توانسته یک دعوا معمول را به یک واکنش سیاسی بدل کند. در حال و هوای خنده و شعار دادن بود که مامورین کمیته سر رسیدند. ولی دیکر برای ساکت کردن مردم خیلی دیر شده بود. مامورین وحشیانه جوان و چند نفر دیکر از اهالی را به جرم اختلال در نظم عمومی، و شعار دادن علیه مقدسات رهبری و شعارهای ضد جنگ دستگیر کردند. اما خنده باقی بود، هم بر لب جوان و هم بر لب دیتران. قضیه "بس است، ول کنید"، مدتهاست که از زبانی به زبان دیکر منتقل می شود.

اوضاع کنونی لبنان و سیاست جمهوری اسلامی ایران

درست همزمان با اوج گیری شدیدترین درگیریهای که بیروت پایتخت لبنان در عرض سالهای اخیر در چارچوب جنگ داخلی میان شبه نظامیان مسیحی راستگرا از یک سو و سایر نیروهای سیاسی لبنان از سوی دیگر، شاهد آن بوده است، "شیخ صبحی الطیفلی" رئیس گروه "امل اسلامی" و حسین الموسوی، موسوم به "ابوهشام" سرکرده "حزب الله" لبنان وارد تهران شدند و دیدارهایی با مقامات رژیم خمینی، از جمله مختاری و خامنه‌ای انجام دادند.

طرفین در این ملاقاتها نیازی ندیدند که وابستگی مستقیم "امل اسلامی" (فعال در جنوب لبنان) و "حزب الله" (مستقر در بعلبک و اقله در دره بقاع که تحت کنترل سوریه است) را به جمهوری اسلامی لایوشانی کنند. حتی در مملووعات حکومتی، دیدار "حزب الله" های لبنانی با خامنه‌ای به عنوان ملاقاتی با زتاب یافت که در آن، شیخ الطیفلی "گزارشی از مبارزات و فعالیتهای حزب الله و اوضاع داخلی لبنان را به استحضار رئیس جمهور رساند". (کیهان ۲ شهریور)

اما چه چیزی باعث شده است که خمینی و اعوان و انصارش اینچنین به مسئله لبنان توجه کنند؟ واقعیت این است که در فقدان یک دولت نیرومند مرکزی، لبنان طی ده سال اخیر شاهد شکل گیری نیروهای سیاسی مختلف بوده که هر یک دستجات مسلح خود را دارند و اغلب منافع از کشور را کنترل می کنند. کشورهای امپریالیستی، اسرائیل و برخی دولتهای عربی هر یک با سرمایه گذاری در لبنان، سازمانها و گروههای وابسته و یا لفردها خود را به وجود آورده و یا نیروهای سیاسی موجود را به ست همکاری با خود جلب کرده اند. در این پالیشو، جمهوری اسلامی هم به خیال خود عقب نمانده است. حکومت خمینی برای ماهی گرفتن از این آب گل آلود، تلاشهایی سازمان داده و می دهد. در سالهای اول حکومت اسلامی در ایران، رژیم خمینی روی سازمان امل حساب می کرد و رویای "بلعیدن" این گروه را در سر می پروراند، چرا که در این سازمان، گرایشهای مطلوب خود را می دید، یعنی آمیخته‌ای از افراطی گری مذهبی، کمونیسم ستیزی، خصومت با جنبش ملی فلسطین و دشمنی با نیروهای سیاسی مترقی لبنان. از این گذشته، "امل" یک سازمان شیعی

است. بر چنین زمینه‌ای، جمهوری اسلامی امیدوار به دست و پا کردن نفوذ در میان شیعیان لبنان بوده و هست.

از متکام تجاوز اسرائیل به خاک لبنان در سه سال پیش، امیدهای رژیم خمینی برای وابسته کردن "امل" به خود با مشکلاتی روبرو شد. تجاوز سهیونیستها عملا در برابر خود چپه واحدی از نیروهای سیاسی ملی لبنان را به وجود آورد. چپه‌ای که بر منافع مشترک لیف گسترده‌ای، از کمونیستها گرفته تا برخی نمایندگان بورژوازی مسیحی، در دفع تجاوز و آزادسازی همه بخشهای لبنان استوار بود. ضرورت روزافزون بهم فشردگی نیروها در پیکار رهایی بخش ضد اسرائیلی، تغییرات معینی را در صحنه سیاسی لبنان، که "امل" جزئی از آن است، بوجود آورد. فی المثل در جنوب لبنان، در تمام طول حضور واحدهای ارتش اشغالگر اسرائیل، همکاری اعلام نشده‌ای میان حزب کمونیست لبنان و امل، که تا قبل از ۱۹۸۲ رودر روی هم قرار داشتند، اجرا می گردید. رهبری امل، تحت فشار واقعیات سیاسی لبنان، مجبور شده است همکاریهای خود را با سایر نیروهای سیاسی، به ویژه احزاب و سازمانهای مترقی غیر مذهبی، گسترش دهد. تازه ترین شمره این روند، تشکیل "جبهه اتحاد ملی لبنان" در ماه گذشته است که عملا نیروهای ملی، از حزب کمونیست لبنان تا امل را دربر می گیرد.

این تحولات باب لمع رژیم خمینی نبوده. از این رو، انشعاب و جدایی افراطیون شیعه لرفدار جمهوری اسلامی از امل قابل انتظار بود. شمره این انشعاب، "امل اسلامی" در جنوب و "حزب الله" در دره بقاع است. این دو گروه شعار "حکومت اسلامی در لبنان" را می دهند و از سوی رژیم خمینی پول، اسلحه و سایر امکانات در اختیارشان قرار می گیرد. شعار "جمهوری اسلامی لبنان" تا آن حد مضحک است که حتی اکثریت روحانیت شیعه لبنان هم از طرح آن خودداری می کند. اما مسخره بودن این شعار، نباید باعث آن شود که تاثیرات عملی و واقعی فعالیت مغرب و تفرقه افکنانه رژیم خمینی در لبنان را از نظر دور بداریم. این تاثیرات کدامند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، باید نظری کوتاه به روند گذشته و حال

سیاست امپریالیسم و سهیونیسم در قبال لبنان داشت.

هتنامی که استعمارگران فرانسوی در سال ۱۹۴۲ "پیمان ملی" دایر بر تقسیم مشاغل و پستهای مهم دولتی میان جوامع مذهبی لبنان بر حسب اکثریتی معینی را به این کشور، تحمیل کردند، به خوبی می دانستند که با امتیازات یکجانبه‌ای که این پیمان به سود بورژوازی بزرگ مارونی (مسیحی) قائل شده، در لبنان یک بمب ساعتی کار گذاشته اند که انفجار آن تنها امری منوط به گذشت زمان است. دقیقاً با پیش بینی همین انفجار بود که از دهها سال پیش، لراخان سیاست امپریالیسم و سهیونیسم "امکانات" و "چشم انداز" های مختلف را برای لبنان در نظر گرفته اند. مثلاً یادداشت‌های شارل نخست وزیر وقت اسرائیل حاکی است در سال ۱۹۵۴، بن گوریون و موشه دایان امکان تسلط کامل بورژوازی مارونی بر لبنان را بررسی و به گفته بن گوریون در این راه در بذل دلار "صرفه جویی" نمی کردند. یکی از اهداف تجاوز سه سال پیش سهیونیستها به لبنان نیز شمر دادن این کمک‌ها و برقراری حکومت بلامنازع حزب فلالنژ بود. این طرح با مقاومت قهرمانانه جنبش ملی لبنان دوشادوش مبارزان فلسطینی عظیم ماند و حتی دخالت نظامی مستقیم آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا هم نتوانست آن را از شکست نهایی نجات دهد.

اما شکست این طرح، شکست همه توطئه‌های امپریالیستی و سهیونیستی در لبنان نبوده و نیست. "سازمان سهیونیستی جهانی" حتی پیش از لشکر کشی اسرائیل به لبنان "امکان" دیگری را نیز پیش بینی کرده بود: "تجزیه لبنان به پنج استان".

برای اسرائیل و متحد استراتژیک آن، آمریکا، تقسیم لبنان به مناطق گوناگون بر حسب معیارهای قومی و مذهبی امری کاملاً مطلوب است، زیرا به راحتی قابل پیش بینی است که این چند کشور کوچک یا چند بخش یک کنفدراسیون یا هر اسم دینتری که روی آن بگذارند، پیوسته به مناقشه و درگیری بایکدیگر مشغول خواهند بود. اجرای این توطئه ضد لبنانی‌و ضد عربی از زمان شکست اهداف مقدم تجاوز اسرائیل و آمریکا به لبنان در دستور کار امپریالیسم و سهیونیسم قرار گرفته است. آنها برای موفقیت نقشه خود از میچ کوشی غرو گذار نمی کنند. ملی مفت‌های اخیر، درگیریهای خونین بیروت به

پیشبرد این طرح کمک کرده است. بیهوده نیست که "سیا" به نوشته واشنگتن پست دست به آموزش تروریستهای بمب گذار برای انجام عملیات در لبنان زده و اولین مورد این عملیات نیز چند ماه پیش بصورت بمب گذاری در یک مسجد و کشته و مجروح کردن دهها انسان بیگناه به اجرا گذاشته شد. همچنین به نوشته روزنامه انگلیسی گاردین، سیاستمداران مسلمان و غیر مسلمان لبنانی "با یکپارچگی غیر عادی ای معتقدند که درواری این وقایع (بمب گذاریها) عملیات سری دقیقاً برنامه ریزی شده اسرائیل و متحدانش به منظور عقیم گذاردن پیشرفت قابل مشاهده در تلاشهای سوریه به منظور آوردن گروههای لبنانی به پای میز مذاکره و حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی لبنان قرار دارد."

جمهوری اسلامی عوامل آن در لبنان در قبال همه این تحولات موضعی به غایت خرابکارانه داشته و دارند. مهمترین علت وجودی "امل اسلامی" و "حزب الله"، پافشاری این دستجات بر افراطی گری مذهبی و مخالفتشان با هر گونه همکاری با نیروهای سیاسی غیر مذهبی است. رژیم خمینی از همان ابتدای تشکیل دولت رشید کرامی، با آن به مخالفت برخاست و عوامل خود را علیه آن تحریک کرد. پس از آن نیز "حزب اللهی" های لبنان و اربابان ایرانی‌شان از میچ گونه توطئه و تحریک نهان و آشکار علیه نیروهای ملی لبنان و علیه تلاشهای آنها و سوریه برای تقویت روند وحدت ملی، فروگذار نکرده اند. طرح شعار "جمهوری اسلامی" دقیقاً آن روی سکه شعار "تجزیه لبنان" است که ارتجاعی ترین محافل بورژوازی مسیحی سر داده اند. تاثیر هر دو شعار یکی است: تشدید و تکیه بر اختلافات مذهبی و سنگ اندازی در راه ایجاد یک دولت مقتدر ملی که نماینده واقعی مردم لبنان باشد.

اکنون که اوضاع لبنان به مرحله حساس و سرنوشت سازی رسیده، حکومت خمینی نیز ماجراجوییهای خود در قبال این کشور را تشدید کرده است. این دیگر به ویژگی همیشگی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده که همه جاء علی رغم دادن شعار علیه امپریالیسم و سهیونیسم، عملاً در خدمت آنها و به سود آنها کام بر می دارد. همین پرستان لبنان با درک ماهیت واقعی سیاست خمینی و لرفدارانش، با این سیاست مقابله می کنند. ●

مذاکرات کنتره ملی آفریقا با نمایندگان کارفرمایان آفریقای جنوبی

در پی اوج گیری مبارزات مردم آفریقای جنوبی و رسیدن مراحل قطعی مبارزه، برای نخستین بار، کارفرمایان آفریقای جنوبی پشت میز مذاکره با نمایندگان کنتره ملی آفریقا نشستند. این ملاقات در شهری واقع در شرق زامبیا صورت گرفت و شش ساعت به طول انجامید. ریاست هیات نمایندگی ای. ان. سی (کنتره ملی آفریقا) را الیورتامبو، رئیس این سازمان، و ریاست هیات کارفرمایان را گاوین رلی، رئیس شرکت آنتلو آمریکن که صاحب معادن زیادی در آفریقای جنوبی است، بر عهده داشتند. در این مذاکرات جانشینی نظام آپارتاید و آینده سیاسی و اقتصادی کشور مورد بحث قرار گرفت. طرفین و اکثر کشورهای آفریقایی این مذاکرات را کامی مثبت قلمداد کردند.

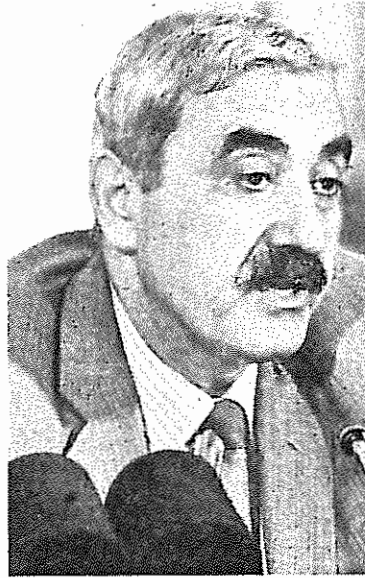
در دیدار مزبور که به تقاضای صاحبان صنایع آفریقای جنوبی صورت گرفت، کنت کائوندا رئیس جمهور زامبیا نیز شرکت داشت. طرفین توافق کردند به تمساعی خود ادامه دهند. الیورتامبو، رئیس کنتره ملی آفریقا پس از این ملاقات گفت دیدار مزبور نقش مهمی در جستجوی راههایی برای پایان دادن به حاکمیت آپارتاید ایفا کرد. وی افزود ای. ان. سی در این گفتگو هدف خود یعنی نظامی مبتنی بر اقتصاد مختلط در یک دموکراسی غیر نژادی را تشریح نمود. تامبو خاطر نشان ساخت کارفرمایان شرکت کننده در مذاکرات دریافته اند که مسائل آفریقای جنوبی بدون کنتره ملی آفریقا قابل حل نیست. ملاقات نامبرده پس از انتقادات مکرر نمایندگان کارفرمایان آفریقای جنوبی از رژیم آپارتاید صورت گرفت. گاوین رلی، رئیس شرکت "آنتلو آمریکن"، در مصاحبه ای خواستار شناسایی حقوق سیاهپوستان، لغو قوانین نژاد پرستانه و آزادی نشون ماندلا رهبر کنتره ملی آفریقا شد.

بوئا رئیس جمهور آفریقای جنوبی مذاکره کارفرمایان این کشور با کنتره ملی آفریقا را "خیانت" خواند.

دیدار چرچ حبش از مسکو

چرچ حبش، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اخیراً از مسکو دیدار کرد. وی در پایان دیدار خود، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، انعقاد موافقتنامه ۱۱ فوریه امان میان ملک حسین پادشاه اردن و یاسر عرفات را آغاز "خطرناک ترین مرحله از مقام تشکیل سازمان آزادیبخش فلسطین" خواند. دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین افزود موافقتنامه امان، که مذاکره مستقیم میان یک هیات مشترک اردن و برخی سیاستمداران فلسطینی با اسرائیل را به وسالت آمریکا پیش بینی می کند، انشعاب را تا قلب جنبش مقاومت فلسطین رسوخ می دهد. حبش اظهار داشت هدف این موافقتنامه، جلوگیری از حل عادلانه مسئله اصلی خاور نزدیک، یعنی تضمین حق قانونی خلق عرب فلسطین دایر بر ایجاد دولت مستقل در سرزمین پدری خود است. وی خاطر نشان ساخت موافقتنامه امان در عمل راه را به سوی یک کمپ دیوید جدید با همه عواقب خطرناک

آن باز می کند، عواقبی که نه تنها متوجه فلسطینی ها، بلکه متوجه کل جهان عرب خواهد بود. رهبر جبهه خلق گفت این امر تنها به سود اسرائیل و سیاست ضد عربی آن است.



چرچ حبش در مصاحبه مطبوعاتی مسکو

چرچ حبش همچنین اشاره نمود: "در این مرحله، مبارزه علیه این موافقتنامه مناسبترین زمینه برای احیای انسجام صفوف سازمان آزادیبخش فلسطین است."

حبش در پاسخ سئوالی پیرامون چگونگی حل عادلانه مسائل منطقه تاکید کرد بدون شرکت اتحاد شوروی حل مسالمت آمیز مسئله خاور نزدیک غیر ممکن است.

ماموریت جدید ریچارد موزفی

در خاور نزدیک دولت آمریکا بار دیگر به "دیپلماسی سیار" که نخستین شمره آن قرارداد ضد عربی کمپ دیوید بود، متوسل شده است. این بار، ریچارد موزفی، مشاور وزیر خارجه ایالات متحده میان امان، بیت المقدس و قاهره به رفت و آمد پرداخت. وی در امور خاور نزدیک "مبتدی" نیست و این بار هم هدف کهنه پیروان آوردن روند کمپ دیوید از بن بست راندنال می کند. در حال حاضر، آمریکادرسدداست اردنی ها و فلسطینی هایی را که نماینده "باف" نیستند، وارد این روند سازد.

بلافاصله پس از اجلاس فوق العاده سران عرب در کازابلانکا، موزفی وارد امان پایتخت اردن شد. اجلاس مزبور، که خبر تشکیل آن در شماره های گذشته "اکتریت" آمده بود، به علت عدم حضور سوریه، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، الجزایر، لیبی و لبنان قطعنامه ای در رد یا پذیرش "موافقتنامه امان" میان ملک حسین و یاسر عرفات تصویب نکرد و تنها خاطر نشان ساخت که "برنامه عمل" این دو سیاستمدار مغایر با مصوبات اجلاس ۱۹۸۲ سران عرب در فاس نیست.

صرف این امر که فرستاده آمریکا در چنین شرایطی وارد منطقه شد، نشانه آن است که کاخ سفید فرمولبندی اجلاس کازابلانکا را نوعی تایید، هم

برای موافقتنامه امان و هم گامی، احتمالی بعدی کشورهای ذیربط می داند. همچنین ردمان، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشتتن به مناسبت سفر مورفی از آنچه وی آن را بازتاب "ایجاد شرایط مناسب برای مذاکره به منظور حل مسالمت آمیز اختلافات موجود" خواند، استقبال کرد.

آمریکا قصد دارد از نتایج کنفرانس اعراب در کازابلانکا برای به راه انداختن مذاکرات "مستقیم"، یعنی مذاکرات جداگانه یک هیات اردنی - فلسطینی با اسرائیل بهره گیرد. قرار است مورفی در یکی از سفرهای خود با این هیات دیدار کند. اما این ملاقات اهمیت چندانی نخواهد داشت، زیرا به نوشته مطبوعات، وزارت خارجه آمریکارضا به اسرائیل المینان داده است که ایالات متحده در صدد مذاکره با هیات اردنی - فلسطینی درباره حل مسائل خاور نزدیک نیست، بلکه تنها "مشورت"هایی را مد نظر دارد که می بایستی به "گفتگوی مستقیم" این هیات با اسرائیل بینجامد. تشریه فرانسوی "لیبراسیون" می نویسد: "تجربه مورفی در این "مشورت ها" و داشتن اعراب طرف، گفتوویی به مذاکره با اسرائیل حتی در شرایط عدم حضور یک عضو "ساف" است. بدین ترتیب، نماینده آمریکا می خواهد نه تنها هیات اردنی - فلسطینی را به مذاکرات جداگانه با اسرائیل بکشانند، بلکه به آن ترکیبی تحمیل کند که قبلاً با اسرائیل بر سر آن توافق شده است.

تصادفی نیست که هر بار مورفی خاورمیانه را ترک می کند، بر اثر یک اقدام تجاوزکارانه جدید اسرائیل و عواملش اوضاع متشنج شده و به خونریزی مکرر می انجامد. این بار درگیریهای بیروت زمینه سفر مورفی را تشکیل داد تا اذهان را از ماموریت شوم فرستاده ریکان منصرف سازد.

مردم افغانستان با شرکت در انتخابات مشی حزب و دولت را تایید می کنند

سال گذشته شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان قانون ارگانهای قدرت دولتی واداری را تصویب کرد. به موجب این قانون که جاو، ماده ای در باره "جرکه ها" (شورای مردمی) است، قوه مجریه که در گذشته در دست فرمانداران منصوب از کابل قرار داشت، بصورت جمعی و با توجه به شرایط محلی اعمال خواهد شد. اینک نخستین انتخابات آزاد تاریخ افغانستان به موجب این قانون برگزار می شود. انجام انتخابات ارگانهای محله ای، گام به گام بنابه موقعیت در مر استان صورت می پذیرد.

مطبوعات افغانستان به تفصیل نتایج نخستین رای گیریها را منعکس می کنند. در این گزارشات تاکید گردیده است که در کابل، انتخابات در فضایی کاملاً دموکراتیک برگزار شد. شمار رای دهندگان به ۴۴۳۹۴۶ نفر یعنی ۹۰/۲ درصد کل واجدین شرایط بالغ گردید. ۴۶۱ نماینده به اتفاق آرا و ۴۸۰ نماینده با اکثریت آرا انتخاب شدند و ۵ نامزد رای کافی نیاوردند.

انتخاب شدگان به ملیت های گوناگون - پشتو، تاجیکی، هزاره، ازبک، ترکمن، نورستانی و بلوچی - تعین دارند. ۴۰ نماینده زن هستند. در میان نمایندگان، کارگران، پیشه وران، فعالین سازمانهای توده ای و غیره دیده می شوند.

مصاحبه "اکثریت" با نماینده ANC در فرانسه درباره:

وضعیت جنبش و نقش طبقه کارگر و حزب کمونیست آفریقای جنوبی در مبارزه علیه رژیم آپارتاید

اکنون اذهان جهانیان متوجه مبارزه‌ای است که در آفریقای جنوبی جریان دارد. دیر نیست که سرخوش این مبارزه روشن شده و بسا! رژیم آپارتاید در هم پیچیده شود.

با توجه به در جریان بودن نبرد قتل‌خیزی در آفریقای جنوبی، مفتی گذشته صاحب‌نام با رفیق دل‌سبی سیتیمبر Dulcie September نماینده کنگره ملی آفریقا (ANC) در فرانسه و عضو هیات نمایندگی حزب کمونیست آفریقا، جنوبی در جشن اومانیتک، ترتیب دادیم که در زیر از نظراتان می‌گذرد:

* رفیق ماندهلا، اخیراً از زندان بیامی فرستاده که در آن به شکل معنی داری گفته شده است که ما هیچ مذاکره‌ای با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی نداریم مگر در مورد انتقال قدرت. این تاکید دیرینه بر این موضوع است که رژیم در حال سقوط است. لطفاً در این مورد و بطور کلی در مورد وضعیت جنبش در آفریقای جنوبی برای ما توضیح دهید.

** مبارزه‌ای که در آفریقای جنوبی جریان دارد، مبارزه برای کسب قدرت است. توده مردم آفریقای جنوبی اکنون در قدرت هیچ سهمی ندارند و همه چیز در دست رژیم اقلیت سفید پوست است. ما اکنون برای کسب قدرت و برانداختن رژیم می‌جنگیم. هدف مبارزه ما این نیست که یک حزب عوض شود و دگرگونی‌هایی جزئی در سیستم به عمل آید. مبارزه ما در جهت نابود کردن تمامیت رژیم است. ما می‌خواهیم که بساط آپارتاید برچیده شود و توده مردم قدرت را به دست گیرند.

این روزها تاکید بر روی این موضوع اهمیت دارد. چرا که قدرتهای غربی، بویژه ایالات متحده در صددند که تغییراتی جزئی در رژیم آپارتاید بوجود آورند تا بتوانند سیستم را حفظ کنند و به زعم خود مردم را فریب دهند. ما از تغییراتی این چنین سخن نمی‌گوییم. رژیم آپارتاید را اصلاح کردن برای ما بی‌معنی است. از همین روست که رفیق ماندهلا به درستی بر روی "قدرت" تاکید دارد. قدرت باید در دست مردم مبارز آفریقای جنوبی قرار گیرد و حکومت آینده باید مظهر اراده و خواست مردم باشد. جنبش در کشور ما انسان اوج گرفته است که اکنون کسب قدرت و شکل دادن به حکومت نوین مستقیم‌دار دستور کار ما قرار دارد.

* رژیم فعلی رفتنی است. حتی قدرتهای غربی نیز به این نتیجه رسیده‌اند. اما آنها حاضر نیستند از منافعه خود دست بردارند. آنها تمام تلاششان بر این است که مردم تحت رهبری کنگره ملی آفریقا خود به قدرت دست نیابند. در وضعیت فعلی تا چه حد این احتمال وجود دارد که آنها برای جلوگیری از سقوط رژیم و قدرت‌گیری مردم، حتی دست به مداخله مستقیم بزنند؟

** آری، همان‌گونه که گفتید آنها نمی‌خواهند مردم به قدرت دست یابند و برای این منظور چه تلافی‌هایی که نمی‌کنند. آنها سلاح در اختیار رژیم آپارتاید قرار می‌دهند و از نقاط مختلف جهان مزدور جمع می‌کنند و در خدمت این رژیم می‌گذارند تا مردم را سرکوب کند و با همان‌گونه که در مورد آنتولادیده شد با کشورهای "خط مقدم جبهه" درگیر شود.

این یک امر کاملاً متعارف است که کشورهای امپریالیستی بویژه آمریکا مستقیماً برای نجات رژیم آپارتاید دست به مداخله بزنند. آنها ممکن است به کشور ما نیرو بفرستند. هم اکنون آنها تلاش می‌کنند در شرایط بحران اقتصادی، جلوی ورشکستگی بیشتر رژیم را بگیرند تا قادر به ادامه سرکوب مردم باشد. شرکت‌های چند ملیتی و بطور کلی امپریالیستها از کشور مادست بردار نیستند، هرچند که خودشان بی‌برده‌اند که تلاشهایشان مذبوحانه است. با این وجود از تقلایشان دست بر نمی‌دارند. به رژیم پول تزریق می‌کنند، سلاح و مزدور در اختیار رژیم می‌گذارند و ممکن است در شرایط معینی دست به مداخله مستقیم هم بزنند.

ما در این مورد باید هوشیار باشیم. اکنون شرایط در آفریقای جنوبی بسیار متحول است. مرزهای یکجاده پیش می‌آید. بر سرعت تقلای رژیم آپارتاید و امپریالیستها نیز افزوده شده است. امپریالیستها اکنون علاوه بر کمک به رژیم آپارتاید، کمکیابی از آن دست که بر مردم، به ایجاد تغییراتی در سیستم نیز فکر می‌کنند. آنها می‌خواهند به

زعم خود "اصلاحاتی" را به وجود آورند و بعد بگویند رژیم آپارتاید دیرینه نیست و مبارزه مردم با آن موضوعیت ندارد. اما این تمهید کار ساز نیست. صلح جنبش خیلی بالاست. مردم را باید سر، امتیازات جزئی، از آن‌گونه که تاکنون نمونه‌هایش را مثلاً در مورد قضیه حق شهروندی دیده‌ایم، نمی‌توان فریفت. وقتی این تمهیدات به نتیجه نرسد بالنتیج امپریالیسم به توطئه‌های دیرینه از جمله مداخله نظامی نیز فکر می‌کند. دوستان ما در سراسر جهان در این مورد باید گوش برنگش باشند. فشار آنها، فشار افکار عمومی جهان، پشتیبانی نیروهای ترقیخواه در همه کشورها کمک بزرگی برای ما در زمینه جنگی کردن این توطئه‌های رنکارتی است.

* هدف اصلی مبارزه مردم در آفریقا، جنوبی برانداختن رژیم آپارتاید است. این مبارزه دارای یک مضمون اجتماعی قوی است که ناشی از نقش مقدم طبقه کارگر آفریقای جنوبی در نبرد علیه رژیم آپارتاید می‌باشد. لطفاً این نقش و تأثیرات همه جانبه حضور رهبری کننده طبقه کارگر آفریقای جنوبی در مبارزه با رژیم را برای ما تشریح کنید.

** ما برای سرتون ساختن رژیم آپارتاید می‌جنگیم. این هدف عده ماست. ما می‌خواهیم به آزادی دست یابیم. برای رسیدن به این هدف طبقه کارگر مهمترین نقش را ایفا می‌کند. به جنبش اتحادیه‌ای در میبین مایندید، این جنبش بسیار قوی و گسترده است. این طبقه کارگر است که با حرکتها، بر توان خود رژیم را به لرزه افکنده است. کارگران در همه جا حضور دارند، از حرکت‌های اعتصابی گرفته تا حرکت‌های مسلحانه.

در جنبش همه اقشار مردم حضور فعال دارند. سازمانهای جوانان، زنان، و کلاسه تشکلهای ورزشی همه گونه تشکلهای توده‌ای در جنبش شرکت جسته و اهرمهای آن محسوب می‌شوند. در این میان کارگران و تشکلهای کارگری حلقه مرکزی هستند. آنها بر چمدان سرتونی سیستم فعلی می‌باشند و دینار اقبال خلق و دینار تشکلهای، توده‌ای را در این مسیر هدایت می‌کنند. جنبش رهبری بخش در کشور ما قویا متأثر از حضور گسترده کارگران در مبارزه

است. * طبیعتاً نمی‌توان از نقش طبقه کارگر آفریقای جنوبی جدا از نقش حزب کمونیست آفریقای جنوبی سخن گفت. ممکن است در مورد نقش حزب کمونیست در مبارزه علیه رژیم آپارتاید نیز برای ما توضیح دهید؟

** نقش حزب کمونیست در مبارزه رهبری بخش بسیار پر اهمیت است. حزب کمونیست آفریقای جنوبی یکی از اجزای اصلی کنگره ملی آفریقا است. کنگره ملی آفریقا را اتحاد کمونیستها با دموکراتها شکل داده است. در این اتحاد کنگره هندیه، سیاهپوستها، کنگره اتحادیه‌های کارگری و سفیدپوستهای مخالف رژیم شرکت دارند.

به نقش حزب کمونیست در جنبش از کینه‌ای که رژیم آپارتاید نسبت به این حزب بروز می‌دهد به خوبی می‌توان پی برد. اما علی‌رغم سرکوب بی‌امان اعضای حزب کمونیست، نقش این حزب دم به دم بیشتر شده، تاجایی که اکنون یکی از پایه‌های اصلی جنبش است همین چند مفتی پیش‌بود که در جریان یک تظاهرات توده‌ای در جریان تشییع جنازه مبارزینی که به دست رژیم کشته شده بودند، مردم پرچم حزب کمونیست را در کنار پرچم ANC به اهتزاز درآوردند.

حزب کمونیست در تعمیق و گسترش جنبش، در تقویت بردن شعارهای آن به میان مردم نقش اساسی را داشته است. کمونیستهای آفریقای جنوبی بیشترین مبارزه را برای تحقق اهدافی که در "منشور آزادی" از سوی ANC طرح گردیده است، پیش می‌برند. حزب کمونیست پیشقراول طبقه کارگر است. این حزب سالها در میان طبقه کارگر به کار تبلیغ و ترویج و سازمان‌دهی دست زده و اکنون از اعتبار و اعتماد وسیعی در میان کارگران و زحمتکشان برخوردار است.

AKSARIYAT

NO. 75

MONDAY SEP 23, 85

Address:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY